



گزارش هفت صبح از وضعیت بندرعباس دو روز پس از حادثه

بندر زیر سایه غم

- تعداد جانباختگان حادثه انفجار بندر شهید رجایی تا لحظه تنظیم گزارش به ۴۰ نفر و شمار مجروحین به ۹۰۰ نفر رسیده است
- سخنگوی دولت: علت دقیق هنوز مشخص نیست و اعلام آن زمان بر خواهد بود
- روز یکشنبه باز هم دو انفجار دیگر در بندر شهید رجایی رخ داد
- این انفجار اهمیت تنوع بخشی بنادر کشور را آشکار کرد

همین صفحه و صفحه‌های ۶، ۴، ۳ و ۷



قهرمانانی که
در مرزهای بی‌نام و
آن سوی مرزها
صاحب نام شدند

انیمیشن مبارزه‌ای برای بقا

مقایسه حمایت رسمی و دولتی
از انیمیشن در ایران و هلند

صفحه ۵

چطور کلاهبرداران در تلگرام و اینستاگرام
سراغ داوطلبان کنکور می‌روند؟

سوالات کنکور فروخته نمی‌شود فریب نخورید!

- پاک‌کن‌ها و عینک‌هایی با سیم کارت از جمله ابزارهایی هستند که برای تقلب در کنکور وارد کشور شده‌اند
- کلاهبرداران از عناوین و کلیدواژه‌های جذابی مانند فروش سوالات آزمون سراسری، کلید سر جلسه کنکور و قبولی تضمینی استفاده می‌کنند صفحه ۹

غارت سائیری از گنجینه سالمندان

طبق گزارش اف‌بی‌آی، افراد پیر آمریکا در سال ۲۰۲۴ قربانی کلاهبرداری‌های ۴.۸ میلیارد دلاری شدند

صفحه ۱۰

اوکراین خلع سلاح شد

روسیه با کمک سربازان کره شمالی، منطقه کورسک را پس گرفت

صفحه ۱۰

شانگهای ۲۰۲۵

سرزمین آرزوهای ممنوعه

موتاز، کران‌تر از قیمت جهانی سهم ایرانی‌ها

صفحه ۸



نگاه

رسانه‌ها ستون وحدت ملی در بحران‌های اجتماعی هستند

روزنامه‌نگاری بحران هنرمقابله با هیاهوی دروغ

در دنیای امروز که اخبار به سرعت منتشر می‌شوند، رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در مقابله با بحران‌ها و شایعات، نقش کلیدی دارند. راستی‌آزمایی و شفافیت، سنگ بنای اعتماد به رسانه‌ها در این روزهای بحرانی است

کار می‌آیند. این نوع روزنامه‌نگاری معمولاً در روزهای عادی به‌ندرت به کار می‌آید، اما همیشه باید پروتکل‌ها و دستورالعمل‌های مخصوص بحران‌ها آماده و به‌روز باشند تا در مواقع لزوم به سرعت از آن‌ها استفاده شود. در این میان یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف است. مردم در بحران‌ها معمولاً در اضطراب و ترس به سر می‌برند و به‌نیال اطلاعات معتبر و قابل اعتماد هستند تا بدانند چه اقداماتی باید انجام دهند. چند سالی است که راستی‌آزمایی (فکت چکینگ) در اخبار و اطلاعات به فعالیت‌های روزنامه‌نگاران، فعالان رسانه‌ای، بنگاه‌های خبری و روابط عمومی‌ها اضافه شده است تا ضمن بررسی ادعاهای مطرح شده و درستی سنجی محتوا، از گمراه شدن مخاطبان جلوگیری کنند. چون اخبار جعلی به عمد اطلاعات نادرست یا ناقص می‌دهد تا



راه‌های شناخت اخبار جعلی

چند راه ساده برای فهم این که یک خبر صحیح است یا جعلی وجود دارد. مراجعه به منابع رسمی یکی از این راه‌ها است. از طریق پیدا کردن منبع اصلی اطلاعات می‌توان دریافت که آمار، اطلاعات و توضیحات ذکر شده تا چه حد قابل اطمینان است. در عین حال می‌توان از منابع رسانه‌ای نیز برای کشف میزان وثوق یک خبر بهره گرفت. منابع رسانه‌ای می‌توانند راهنمایی‌های کشف حقیقت باشند، حتی اگر نتوان به عنوان یک فکت معتبر از آن استفاده کرد. منابع دیگری هم براساس نوع خبر و اطلاعات منتشر شده وجود دارد. داده‌های مراکز دانشگاهی، پژوهشی و همچنین استفاده از نظر متخصصان هر موضوع می‌تواند به درستی سنجی اطلاعات مطرح شده کمک کند. از طریق این روش‌ها می‌توان دریافت که منبع اطلاعات تا چه حد معتبر و قابل اعتماد است؟ درواقع ردیابی‌های شما نشان می‌دهد که اطلاعاتی که به دست آورده‌اید تا چه حد در باز نشر یک خبر تغییر کرده و حتی هر بخش از خبر از کجا نقل شده و در کنار هم قرار گرفته است. یعنی ممکن است یک محتوا از چند بخش تشکیل شده باشد که برخی از بخش‌ها درست و برخی از بخش‌ها نادرست باشند. اما تیتیر گمراه کننده انتخاب شده باشد. گاهی یک تیتیر درست در کنار یک عکس معنی دیگری پیدا می‌کند. درباره فیلم نیز همین طور. این که فیلم از کجا کات خورده باشد. نحوه نوشتن خبر هم مهم است. نویسنده یک موضوع را چگونه جانبدارانه یا بی‌طرفانه نوشته باشد. اصلاً ممکن است یک اتفاق ساده با تعصب تنظیم شود. به هر حال درستی یا نادرستی یک متن به عوامل مختلفی بستگی دارد که سواد رسانه‌ای، ردیابی‌های حرفه‌ای محتوا، درک واقعیت‌های جامعه، توجه به سابقه نویسنده و رسانه و مواردی از این دست در فهم آن تاثیرگذار است. البته که درستی



چند سالی است که راستی‌آزمایی (فکت چکینگ) در اخبار و اطلاعات به فعالیت‌های روزنامه‌نگاران، فعالان رسانه‌ای، بنگاه‌های خبری و روابط عمومی‌ها اضافه شده است تا ضمن بررسی ادعاهای مطرح شده و درستی سنجی محتوا، از گمراه شدن مخاطبان جلوگیری کنند

خبر آخر

شیبی که تهران در آغوش توفان لرزید



از حوالی غروب یکشنبه، همه چیز تغییر کرد. آسمان که تمام روز گرفته بود، ناگهان چنان به تلاطم افتاد که انگار بعضی کهنه تر کیده باشد. باد از دوردست‌ها آمد، پنجره‌ها را به صدا درآورد و پشت سرش، بارانی سهمگین، کوچه‌ها و خیابان‌های پایتخت را در خود بلعید. تهران، شهری که هر شب به هزار رنگ می‌درخشید، دیشب زیر چادر ضخیم توفان خاکستری شد. برج‌های بلند، مغرور و سرکش، در مه و غبار گم شدند؛ چراغ‌های شان در تاریکی می‌لرزیدند، انگار قلب‌هایی که بی‌قرار در سینه می‌کوبیدند. خیابان‌های خیلی زود خالی شدند. قطره‌های باران، سسنگین و پی‌درپی، آسفالت‌های داغ روز را در هم کوبیدند و صدای کوبیدن شان، بر طبل خاموشی کوچه‌ها می‌نواخت. درختان کهنسال از ریشه خم شدند، صدای شکستن شاخه‌ها بازوזה باد در هم آمیخت و تیرهای برق مثل مشعل‌هایی خاموش و روشن در دل این آشوب تاب می‌خوردند. اداره هواشناسی تهران هشدار داده بود: تندبادهایی با سرعتی نزدیک به ۸۰ کیلومتر بر ساعت و بارش‌های متمرکز و شدید. سازمان مدیریت بحران شهر اعلام آماده‌باش کرد و از مردم خواست در خانه‌های شان بمانند. خیابان‌ها لغزنده شد، آب گرفتگی در معابر مرکزی و حاشیه‌ای گزارش شد و حرکت خودروها در بزرگراه‌های اصلی به کندی افتاد. در بعضی مناطق، خاموشی‌های کوتاه‌مدت رخ داده؛ درختانی در این هیاهو سر خم کردند. اما دیشب، چیزی فراتر از آمار و ارقام در جریان بود؛ تهران در سکوتی رازآلود و ترسی پنهان، توفان را نفس می‌کشید. پنجره‌هایی که لرزیدند، بچه‌هایی که پشت پرده‌ها با تعجب به رقص آب و باد نگاه می‌کردند، دست‌هایی که بی‌صدا پرده‌ها را کنار می‌زدند، همه نشانه‌های شهری‌اند که در دل ناآرامی، هنوز زنده است. تهران دیشب داستانی دیگر روایت کرد. داستان شهری که در برابر باد و باران، قامت راست کرده، اما ناگهان راز آسمان برنمی‌دارد. شاید در دل این توفان، چیزی فراتر از خشم طبیعت در کار باشد؛ شاید، این شهری که عادت کرده زیر بار سنگین روزمرگی خم شود، حالا فرصتی یافته تا با رعد و برق‌های بی‌امان، خودش را دوباره فریاد بزند. امروز، نشانه‌های این توفان بزرگ، روی بدنه خیابان‌ها و شاخه‌های شکسته درختان باقی مانده اما خاطره دیشب توفانی، تا مدت‌ها در حافظه این شهر حک خواهد شد؛ شیبی که تهران، زیر باران، با یاد دست‌وپنجه نرم کرد و باز هم ایستاد.



قدرت دیگر در تانک نیست؛ در داستان است

سیاست بی‌روایت

سیاست بی‌اثر

در جهان روایت‌ها

سیاست‌مدار بی‌قصه، سیاست‌مدار بی‌قدرت است

بابک نبی

دبیر گروه سیاست

در گذشته، نبرد های سیاسی با توپ و تانک و پیاپی‌های ایدئولوژیک تعریف می‌شد. اما در جهان امروز، میدان جنگ تغییر کرده است. مرزها هنوز وجود دارند، قدرت همچنان در گردش است، اما سلاح‌ها عوض شده‌اند. سیاست، دیگر تنها بازی قدرت نیست؛ بازی روایت‌هاست. آنکه روایت بهتری بسازد، تصویر دقیق‌تری ارائه کند و داستانی باورپذیرتر برای مخاطب بسازد، شانس بیشتری برای پیروزی دارد.

روایت، فقط یک ابزار رسانه‌ای نیست؛ روایت، جان سیاست است. تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، حتی بحران‌ها، تا زمانی که در قالب یک روایت معنادار برای مردم عرضه نشوند، درک نمی‌شوند. این‌که چه کسی روایت را تعریف می‌کند و چگونه آن را می‌سازد، عملاً تعیین می‌کند که مردم در کشتان از واقعیت چیست، چه چیزی را بحران می‌دانند و چه چیزی را پیشرفت. در جهانی که خبر در کسری از ثانیه منتشر می‌شود، رقابت بر سر «اول بودن» دیگر کافی نیست. رقابت واقعی بر سر «باورپذیر بودن» است. صدها خبر، تصویر و تحلیل هر روز منتشر می‌شود، اما تنها آن روایتی می‌ماند که در ذهن مخاطب جا می‌افتد. در این فضای شلوغ، واقعیت گاهی در حاشیه قرار می‌گیرد و جای خود را به تصویرهایی می‌دهد که دقیق نیستند، اما جذاب‌اند؛ ساده‌سازی شده‌اند، اما تأثیرگذارند.

در چنین شرایطی، سیاست‌مداران و نهادهای رسمی ناچارند با دقت و هوشمندی وارد میدان روایت شوند. دیگر نمی‌توان تنها با اطلاعاتیه و مصاحبه پاسخ داد. مخاطب امروزی به دنبال داستانی کامل است؛ چرایی هر تصمیم، زمینه‌های هر سیاست، پشت‌صحنه هر بحران. اگر این فضا به دیگران واگذار شود، روایت‌های رقیب _ گاه مخرب، گاه اغراق‌شده _ جایگزین روایت رسمی می‌شوند. اما مشکل آنجاست که روایت رسمی، در بسیاری موارد دیر و گنگ وارد میدان می‌شود. دیر از آن جهت که وقتی جایگزین شکل گرفت، اصلاحش سخت است و گنگ از آن جهت که زبان رسمی، به‌جای شفافیت، گاه بیش از حد محافظه‌کارانه یا مبهم است. در نتیجه، میدان به‌دست روایت‌هایی می‌افتد که با هیچانی‌اند یا سوگیرانه و یا با هدف تخریب ساخته شده‌اند. در ایران، این پدیده به‌خوبی قابل مشاهده است. از ماجراهای اجتماعی در ویدئوهای سیاسی، همواره چند روایت هم‌زمان در گردش‌اند. روایت رسمی، روایت غیررسمی، روایت رسانه‌های خارج از کشور و روایت مردم در شبکه‌های اجتماعی. هر کدام از این روایت‌ها مخاطب خاص خود را دارد، اما آن‌چه تعیین‌کننده است، اعتماد مخاطب است. اگر اعتماد از بین برود، حتی دقیق‌ترین روایت هم بی‌اثر می‌ماند.

اینجاست که «سرعت»، «صداقت» و «شفافیت» به ابزارهای کلیدی سیاست تبدیل می‌شوند. مخاطب امروز نه فقط به آنچه گفته می‌شود، او به آنچه ناکفته می‌ماند، توجه دارد. او خبر را با منابع مختلف مقایسه می‌کند، حافظه جمعی دارد و در برابر اطلاعات ناقص یا دیر هنگام، بی‌اعتماد می‌شود. در چنین شرایطی، ضعف در روایت‌سازی، ضعف در سیاست‌ورزی است. اما روایت، فقط ابزار دفاع نیست؛ فرصت نیز هست. هر بحران، هر چالش، حتی هر انتقاد عمومی، فرصتی است برای ارائه روایتی شفاف و دقیق. روایتی که صرفاً به حل بحران کمک می‌کند، پایه‌های اعتماد را بازسازی می‌کند. سیاست‌مداری که بلد باشد روایت بسازد، سیاست‌مداری ست که مخاطب را جدی گرفته و این احترام، دیر یا زود، به اعتماد بدل می‌شود. باید پذیرفت که در جهان امروز، واقعیت آنچنان که هست، تنها یک طرف ماجراست. آن‌چه مردم باور می‌کنند، اغلب ترکیبی است از آن واقعیت و روایتی که با آن آشنا می‌شوند. در چنین جهانی، سیاستمداری که روایت خود را به دیگران واگذار کند، عملاً بخشی از قدرت را واگذار کرده است.



دولت‌ها و نهادهای رسمی باید به‌جای انفعال و تأخیر، روایت‌های واقعی را پیش از آنکه شایعات بر ذهن‌ها حکمرانی کنند، در اختیار مردم بگذارند

نمونه‌های بین‌المللی انتخابات آمریکا ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰

انتشار اطلاعات نادرست در دو انتخابات آمریکا بسیار پر تأثیر بوده است. ماجرای انتخابات ۲۰۱۶ به نقطه‌اوج بحث پیرامون فیک‌نیوز تبدیل شد؛ برخی گزارش‌ها حکایت می‌کنند که کمپین‌های فیک‌نیوز با کمک شبکه‌های اجتماعی، آرای انتخاباتی را جهت داده‌اند. به گفته برخی ناظران، در این دوره دونالد ترامپ توانست با بهره‌گیری از اخبار دروغین در فضای اینترنت، به ۱۱ رای مجمع انتخاباتی دست پیدا کند. پیرو تجربه ۲۰۱۶، در انتخابات ۲۰۲۰ پلنفرم‌های اجتماعی واکنش نشان دادند و قوانینی برای محدودسازی اطلاعات نادرست وضع کردند. به عنوان مثال، در آمریکا توئیتر بر حسب هشدار به پست‌های حاوی ادعاهای بی‌اساس آویخت و کاربران را به منابع رسمی برای اعلام نتایج تشویق کرد. همچنین، یک تحقیق معتبر نشان داد سرعت انتشار اخبار جعلی در آمریکا چندین برابر اخبار معتبر است. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد حتی خبرت‌های بزرگ و غول‌های فناوری نیز با سبیل اطلاعات غلط روبه‌رو هستند و جوامع، با اعتماد عمومی تضعیف شده، به دو گانگی‌های سیاسی بیشتری دچار می‌شوند.

جنبش جلیقه‌زدها در فرانسه

بحران اعتراضی جلیقه‌زدها (روزی‌های پایانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹) نیز نمونه‌ای از شیوع فیک‌نیوز بود. Avaaz، سازمان مردم‌نهاد بین‌المللی، در گزارشی اعلام کرد بیش از ۱۰۵ میلیون مرتبه مطالب جعلی درباره این اعتراضات در فیسبوک مشاهده شده است. به گفته سنگوی Avaaz، «میزان بازدید اخبار جعلی بسیار بالاست و جنبش جلیقه‌زدها با اطلاعات غلط آغشته شده است». محققان هشدار داده‌اند این حجم فیک‌نیوز، روایت‌های خطرناک و تفرقه‌افکننده را ترویج می‌دهد و «زنگ خطر» برای پایداری دموکراسی در اروپا به شمار می‌آید. در کنار این، برخی مطالعات تأکید می‌کنند فناوری‌های هوش مصنوعی و ربات‌ها نیز با تولید محتوای ساختگی، روند اخبار جعلی را تسریع کرده‌اند.

از مسقط نیز بیشتر بود. یکی از دلایل این سیل شایعه، نقش بازیگران متمایل به حفظ تحریم است. برآورد می‌شود «جریان کاسیان تحریم» با هدف بهره‌برداری از اوضاع بحرانی، اخبار نادرستی در فضای‌سازی‌های رسانه‌ای منتشر می‌کنند. در مقابل، سنگوی وزارت خارجه ایران به‌صراحت اعلام کرده این اخبار «بخشی از روند حاشیه‌سازی برای مذاکرات» است و تمرکز دیپلمات‌ها معطوف به منافع کشور خواهد بود؛ به‌عبارت دیگر، شایعات ابهام‌آمیز درباره نتیجه یا وضعیت مذاکرات با هدف برهم‌زدن آرامش فکری مردم و تحت فشار قرار دادن تیم دیپلماسی منتشر می‌شود.

حادثه انفجار بندر شهید رجایی

انفجار گسترده در اسکله شهید رجایی بندرعباس (۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴) نیز نمونه‌ای بارز از خلأ اطلاعات و جولان شایعات بود. در ساعات ابتدایی پس از حادثه که داده‌های دقیق در دسترس نبود، برخی رسانه‌ها و کاربران عنوان کردند که علت انفجار «حملات» یا «اخلال عمدی» بوده است. اما سازمان مدیریت بحران کشور با صدور اطلاعیه‌ای از رسانه‌ها خواست تا مشخص شدن علت و ابعاد حادثه از انتشار اخبار غیررسمی خودداری کنند. متن اطلاعیه‌ی داستانی کل کشور نیز از فعالان فضای مجازی خواست به موضوعاتی که «منبت روانی جامعه را مخدوش می‌کند» نپردازند. در عین حال، برخی خبرها درباره «حمله اسرائیل» که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد، توسط تحلیلگران رسانه به عنوان پروژه‌ای روانی تشخیص داده شد. کارشناسان مستقل اشاره کرده‌اند این مطالب مبتنی بر منابع نامعتبر (مثلاً CNN فارسی» غیررسمی) و حاوی تضادهای روایتی و جملات تحریک‌آمیز است که صرفاً به هدف ایجاد ترس و بی‌اعتمادی منتشر شده‌اند. هنوز هم پس از یک روز از این حادثه تا‌سفا‌بر تشدد منابع خبری و یکسو نبودن منابع خبری رسمی باعث شده است فضای خالی اطلاعاتی با «خلل روانی» ناشی از اخبار جعلی پر شود.

اخبار جعلی در کمین هربحران از سکوت مسئولان تاهجوم شایعات

انفجار شایعات

خلأ اطلاعاتی و ضعف اطلاع‌رسانی

فضای مناسبی برای رشد اخبار جعلی ایجاد می‌کند

در عصر انفجار اطلاعات، هر بحران به‌جای آنکه تنها میدان تصمیم‌گیری باشد، به میدان نبرد می‌تبدیل شده است. نبرد می‌کند که سلاح اصلی آن، اخبار جعلی‌اند. در زمانه‌ای که شفافیت، کالای کمیاب شده و مردم زیر گبار بی‌وقفه پیام‌های شبکه‌های اجتماعی قرار دارند، شایعات با سرعتی سرسام‌آور، خشم، ترس و سردرگمی را در دل جوامع شعله‌ور می‌کنند. طی ماه‌های اخیر، هم‌زمان با مذاکرات حساس ایران و آمریکا، موجی از اخبار ساختگی درباره نتایج احتمالی این گفت‌وگوها و روند مذاکرات در فضای مجازی و رسانه‌های غیررسمی به راه افتاد؛ شایعاتی که گاه از واقعیت جلوتر دویدند و افکار عمومی را آشفته کردند؛ از سوی دیگر، انفجار هولناک در اسکله شهید رجایی بندرعباس، به دلیل تعلل در اطلاع‌رسانی دقیق، به بستری برای تاخت‌و‌تاز شایعه‌سازان تبدیل شد. در این فضای مه‌آلود، اخبار جعلی در ابتدا ذهن مردم را تسخیر کردند و توانستند مسیر تحلیل و واکنش عمومی را نیز دگرگون کنند.

چرایی گسترش اخبار جعلی

در بحران‌های سیاسی

اخبار جعلی در بحران‌های سیاسی عموماً از خلأ اطلاعاتی و کشمکش‌های داخلی و خارجی آب می‌خورد. عدم شفافیت یا تأخیر در اطلاع‌رسانی رسمی، جامعه را نسبت به واقعیت‌ها دچار ابهام می‌کند. موسسه پیو در آمریکا گزارش داده است که عموم مردم اطلاعات نادرست را حتی از نژادپرستی و تروریسم خطرناک‌تر می‌شمارند اما سرعت انتشار اخبار جعلی چندین برابر اخبار موثق است.

در چنین فضایی، برخی بازیگران سیاسی یا اقتصادی با انگیزه‌های خاص، از اهرم اخبار جعلی برای مقاصد خود استفاده می‌کنند. در ایران نیز بعضی از گروه‌ها سعی دارند تا با دامن زدن به شایعات و تحلیل‌های دلپروا و (مثلاً ترغیب مردم به خرید دلار یا تولید اخبار جعلی رعب‌آورانه)، موج نارضایتی عمومی را به نفع خود هدایت کنند. در سوی دیگر، ماهیت شبکه‌ای و بدون کنترل کامل

نمونه‌های داخلی

مذاکرات ایران و آمریکا: در دور دوم مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در رم، موج اخبار جعلی به حدی بالا رفت که سنگوی مرکز ملی فضای مجازی از آن به‌عنوان «ده‌ها خبر جعلی» توسط رسانه‌های غیررسمی داخلی و خارجی» طی چهار ساعت مذاکره یاد کرد. وی تأکید کرده است که حجم اخبار جعلی این دور از مذاکرات

نجات حقیقت: راهکارهایی برای عبور از توفان اخبار جعلی

طلایی است که می‌تواند دیوار دفاعی جامعه را در برابر اخبار جعلی مستحکم کند. دولت‌ها و نهادهای رسمی باید به‌جای انفعال و تأخیر، روایت‌های واقعی را پیش از آنکه شایعات بر ذهن‌ها حکمرانی کنند، در اختیار مردم بگذارند. اطلاع‌رسانی دقیق، سریع و بی‌پرده، دیگر یک انتخاب نیست؛ ضرورتی است به اندازه حفظ امنیت ملی. در کنار شفافیت، آموزش سواد رسانه‌ای باید به دغدغه‌ای ملی بدل شود. مردمی که

توان تشخیص واقعیت از جعل را داشته باشند، میدان را از دست شایعه‌پردازان پس خواهند گرفت. این آموزش باید فراتر از کلاس‌های درس برود و به فرهنگی عمومی بدل شود؛ فرهنگی که شکاکانه بیندیشد، منابع خبر را راستی‌آزمایی کند و هر روایت پرهیاهویی را بی‌محاپا نپذیرد. ساخت نهادهای مستقل حقیقت‌سنج، تقویت روندهای راستی‌آزمایی پیش از انتشار اخبار و هوش مصنوعی و ربات‌ها نیز با تولید محتوای پاسخگویی به موقع مسئولان، جملگی گام‌هایی حیاتی

روایت را می‌سازد، مسیر گفت‌وگو را طراحی می‌کند و معنایی نو خلق می‌کند. معنایی که شاید به ظاهر از سیاست فاصله داشته باشد، اما در ژرف‌ترین لایه‌های خود، حامل سیاست است؛ سیاست به مثابه امکان اندیشیدن و بازاندیشیدن. رشد یادگست‌هایی با موضوعات تاریخی، فلسفی، جامعه‌شناختی و فرهنگ سیاسی در سال‌های اخیر، نشان از عطش جامعه برای شنیدن روایت‌هایی تازه دارد؛ روایت‌هایی که در رسانه‌های رسمی مجال بروز نمی‌یابند. این یادگست‌ها، ذهن شنونده را فارغ از انبوهی از داده‌ها، با تفسیر و تحلیل درگیر می‌کنند. و درست در این نقطه است که سیاست‌ورزی واقعی آغاز می‌شود: در لحظه‌ای که شنونده، نه منفعل، که فعال می‌شود؛ نه صرفاً دریافت‌کننده، که هم‌اندیش و هم‌مفسر.

در سیاست سنتی، کنش با شعار، تجمع و پیاپی‌ه تعریف می‌شد؛ کنشی پرسر و صدا و آشکار. اما در دنیای یادگست، کنشی دیگر در حال شکل‌گیری است؛ کنشی آرام، پنهان اما ژرف. سیاست‌ورزی در یادگست، سیاست‌اندیشیدن، سخن گفتن، شنیدن و نقد کردن است. قدرت در اینجا، نه در تصاحب تریبون که در تأثیرگذاری بر لایه‌های پنهان ذهن مخاطب معنا پیدا می‌کند. این سیاست، بی‌سروصداست اما بنیادین، نرم است اما عمیقاً ساختار شکن. یادگست‌هایی که مرز میان گفت‌وگو و روشنفکری و دغدغه‌های روزمره را محو کرده‌اند، شنونده را صرفاً به عنوان

در این مسیرند. اینی اجتماعی ما در برابر و بیروس اخبار جعلی، بر دو پایه استوار است؛ شفافیت اطلاعاتی نهادهای و هوشیاری انتقادی شهروندان. تا زمانی که اطلاع‌رسانی بحران‌ها به صورت پرآکنده، کند و غیرشفاف باشد، اخبار جعلی همچنان جولان خواهند داد و اعتماد عمومی همچنان آسیب خواهد دید. بندرعباس و مسیر مذاکرات تنها یک هشدار بود؛ اگر درس بگیریم، شاید فردا در برابر سایر بحران‌ها و اقدامات آماده‌تر باشیم.

«دانش آموز سیاست» نمی‌دانند، او را به عنوان «همراهی فکری» به رسمیت می‌شناسند. در این بستر، سیاست فقط موضوع بحث نیست، خود فرم و شکل گفت‌وگوست. فرم، محتوا را تغییر می‌دهد؛ همان‌طور که گفت‌وگو، قدرت را بازتعریف می‌کند. در جهانی که قدرت‌های رسانه‌ای معنا را مهندسی می‌کنند و روایت‌ها را از بالا به پایین فرو می‌ریزند، یادگست حرکتی معکوس را پیشنهاد می‌کند: روایتی از پایین، از دل زندگی، از گفت‌ووبی بی‌واسطه که شنونده را نیز شریک بحث می‌کند. اینجا سیاست، از شعار و پروژه‌های قدرت به نقد، فهم، گفت‌وگو و بازاندیشی بدل می‌شود. یادگست‌های مستقل ایرانی، با تمام محدودیت‌های مالی، فنی و سیاسی، توانسته‌اند فضای بدلی بیافرینند. فضایی که در آن سیاست صرفاً به معنای رقابت بر سر قدرت نیست، به مثابه آفرینش معنا تجربه می‌شود. در اینجا، سیاست‌ورزی به معنای شنیدن، فهمیدن و دوباره پرسیدن است؛ فرآیندی رادیکال در زمانه‌ای که سانسور و خودسانسوری نفس اندیشه را گرفته است. اگر سیاست، هنر ممکنات است، یادگست هنر گفت‌وگو و ناممکن‌هاست. جایی که اندیشه‌ها از تله سانسور می‌گریزد، معنا از حاشیه به متن می‌آید و شنونده از مصرف‌کننده خاموش به مشارکت‌کننده بیدار بدل می‌شود. یادگست، آرام اما پیوسته، دارد یکی از رادیکال‌ترین اشکال سیاست‌ورزی معاصر را شکل می‌دهد؛ سیاستی که سرکوب نمی‌تواند آن را خاموش کند، چون در سکوت صداها جان می‌گیرد.

در عصر ابتدال سیاسی

پادگست؛ جزیره‌ای برای اندیشه آزاد

پادگست، عرصه‌ای برای بازتعریف قدرت از دل گفت‌وگو و اندیشه

رها سعیدی
هفت صبح

در عصری که سیاست بیش از هر زمان دیگری در سطحی‌ترین لایه‌های شبکه‌های اجتماعی گرفتار شده و خطابه‌های خشمگین یا هشتک‌های آبی جای استدلال و اندیشه را گرفته‌اند، پادگست به صحنه آمده است؛ صحنه‌ای که بار دیگر زرفا، تأمل و گفت‌وگو را به میان بازی می‌آورد. پادگست نه میدان رقابت برای شعارهای تند است و نه مسابقه‌ای برای جلب بیشترین لایک‌ها. این رسانه بی‌چهره و پرس‌دا، بستر سیاستی دیگر گونه را فراهم کرده؛ سیاستی که در صورتی صدا و مجال اندیشه جان





انفجار در بندرعباس اهمیت تنوع‌بخشی بنادر کشور را آشکار کرد

تجارت ایران زیر سایه انفجار

- گمرک ایران با اعمال محدودیت‌های صادراتی سعی در کنترل شرایط بندر شهید رجایی دارد
- توسعه سریع بندر چابهار به عنوان راهکار استراتژیک برای مقابله با بحران‌های مشابه ضروری است

شد، در پی این حادثه، گمرک ایران با صدور دستورالعمل‌هایی، محدودیت‌هایی برای ارسال محموله‌های صادراتی و ترانزیتی به مقصد بندر شهید رجایی اعلام کرد. هدف این اقدام، حفظ سلامت و ایمنی عملیات در این بندر و جلوگیری از ایجاد اختلالات بیشتر در جریان تجارت خارجی اعلام شد. در عین حال، برای محموله‌هایی که پیش‌تر، تشریفات گمرکی آنها انجام شده بود، تمهیدات لازم برای انجام فرآیندهای خروج فراهم گردید.

حمل و نقل، گمرک، خدمات بندری و سایر بخش‌های وابسته کمک می‌کنند. این بندر به عنوان دروازه‌ای مهم برای ورود و خروج کالاها به کشورهای منطقه خلیج فارس، به ویژه بنادر کشورهای نظیر امارات متحده عربی، عمان و قطر، ارتباط نزدیکی دارد و یکی از مسیرهای حیاتی تجاری برای ایران محسوب می‌شود. بنابراین، بندر شهید رجایی علاوه بر اهمیت اقتصادی برای ایران، در تجارت جهانی و تعاملات بین‌المللی کشور نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند. هر گونه اختلال در عملکرد این بندر، تأثیرات عمده‌ای بر تجارت خارجی، اقتصاد ملی و تأمین کالاهای اساسی خواهد داشت.

بندر شهید رجایی از لحاظ ظرفیت، سرعت

بندر شهید رجایی از لحاظ ظرفیت، سرعت تخلیه و بارگیری و حجم ترانزیت کالا، پیشرفته‌ترین و بزرگ‌ترین بندر تجاری ایران به‌شمار می‌رود. هر گونه اختلال در عملکرد این بندر، تأثیرات عمده‌ای بر تجارت خارجی، اقتصاد ملی و تأمین کالاهای اساسی خواهد داشت

تخلیه و بارگیری و حجم ترانزیت کالا، پیشرفته‌ترین و بزرگ‌ترین بندر تجاری ایران به‌شمار می‌رود. بندر امام خمینی با تمرکز بر واردات کالاهای اساسی و بندر بوشهر با فعالیت‌های عمومی و نفتی، به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بندر چابهار نیز به عنوان یک بندر در حال توسعه، به‌ویژه در زمینه ترانزیت کالا به کشورهای همسایه و فعالیت‌های تجاری، ظرفیت‌های رو به رشدی دارد.

آخرین خبر جلسه ویژه تیم فنی و پشتیبانی گمرک ایران جهت آغاز مجدد انجام تشریفات گمرکی دیروز در محل درب خروج واردات گمرک برگزار و رئیس کل گمرک ایران پس

از بررسی زیرساخت‌ها و اطمینان خاطر از وضعیت موجود، دستور آغاز تشریفات گمرکی حمل یکسره محموله‌های کالاهای اساسی و واحدهای تولیدی را صادر کرد. بر اساس روایت ایسنا، انجام تشریفات گمرکی خروج ترانزیت خارجی، صادرات و واردات در گمرک شهید رجایی بندرعباس از دیروز آغاز شد، روایتی که تا لحظه تنظیم این گزارش، در بخش صادرات و واردات مورد تایید بازرگانی که هفت صبح با آنها

مهدی خاکی فیروز **دبیر گروه اقتصادی**

در پی وقوع انفجار روز شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ در بندر شهید رجایی بندرعباس، بزرگ‌ترین بندر کانتینری کشور، فعالیت‌های این بندر با چالش‌هایی جدی مواجه شد. این حادثه که در حوالی ساعت ۱۲:۳۰ رخ داد، منجر به اختلالاتی در روند طبیعی عملیات بندری و همچنین تأثیرات موقتی در بخش صادرات و ترانزیت کالا

بر اساس اظهار نظر مسئولان گمرک، واردات کالاها همچنان در جریان است و گمرک ایران تلاش دارد تا با حفظ پویایی این بخش، از هر گونه اختلال در تأمین کالاهای اساسی و مورد نیاز بازار داخلی جلوگیری کند. این روند نشان‌دهنده تعهد به تأمین نیازهای اساسی مصرف‌کنندگان داخلی و تسهیل ورود کالاهای وارداتی به کشور است. پیامدهای اقتصادی این حادثه به طور قطع قابل توجه است. یکی از اولین اثرات این بحران، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل است. در حال حاضر برخی کشتی‌ها نیاز به تغییر مسیر و در مواردی نیز توقف‌های

وضعیت سیلوهای گندم، انبارهای کالاهای اساسی و مخازن روغن ملکی و استیجاری کاملاً ایمن و مطلوب بوده و هیچ آسیبی به آنها وارد نشده است

موقت دارند که طبیعتاً باعث افزایش هزینه‌ها می‌شود. این وضعیت بر هزینه‌های نهایی کالاهای صادراتی و وارداتی تأثیر گذاشته و قیمت‌ها در بازارهای داخلی و حاشیه سود صادرکنندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اختلال در تأمین مواد اولیه برخی صنایع نیز از دیگر پیامدهای احتمالی این بحران است. صنایعی که به واردات مواد اولیه وابسته هستند، ممکن است با کاهش دسترسی به این مواد مواجه شوند. این موضوع منجر به افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه افزایش قیمت‌ها در بازارهای داخلی شود. همچنین، صادرات کالاهایی که به زمان‌بندی دقیق نیاز دارند، تحت تأثیر این محدودیت‌ها قرار گرفته و ممکن است با تأخیر یا توقف مواجه گردد. با توجه به صادرات محصولات آسیب‌پذیر، مسایلی نیز در این زمینه رخ می‌دهد. کاهش درآمدهای گمرکی یکی از تبعات دیگر این حادثه است. با کاهش فعالیت بندر



بررسی چالش‌های پیش روی بازرگانان

یلدا راهدار، فعال اقتصادی بخش خصوصی، در این خصوص اظهار کرد: تا امروز (۷ اردیبهشت) بندر شهید رجایی به شرایط عادی بازگشته است. به عنوان صادرکننده محصولات پتروشیمی، هنوز اطلاع دقیقی از وضعیت محموله‌های شرکت خود که در انبارهای بندر قرار داشتند، ندارم و تماس با سایر بازرگانان نیز نشان می‌دهد این ابهام برای بسیاری از فعالان اقتصادی وجود دارد. متأسفانه در حال حاضر فرد یا نهادی در بندر شهید رجایی پاسخگوی وضعیت موجود نیست. نمی‌دانیم بازگشت بندر به شرایط طبیعی چه مدت به طول خواهد انجامید. در صورتی که عادی شدن شرایط بیش از یک هفته زمان ببرد، خسارت‌های واردشده به بازرگانان کشور، فراتر از حد تصور خواهد بود. شرکای خارجی ما نیز دچار شوک شده‌اند و در حال حاضر با کنجکاوی و ظاهراً با مدارا رفتار می‌کنند. اما باید توجه داشت که قراردادهای بین‌المللی بسیار دقیق و سخت‌گیرانه هستند. تحریراتی که عادی شدن شرایط بیش از یک هفته زمان ببرد، خسارت‌های واردشده به بازرگانان کشور، فراتر از حد تصور خواهد بود. شرکای خارجی ما نیز دچار شوک شده‌اند و در حال حاضر با کنجکاوی و ظاهراً با مدارا رفتار می‌کنند. اما باید توجه داشت که قراردادهای بین‌المللی بسیار دقیق و سخت‌گیرانه هستند. تحریراتی که عادی شدن شرایط بیش از یک هفته زمان ببرد، خسارت‌های واردشده به بازرگانان کشور، فراتر از حد تصور خواهد بود.

وی ادامه داد: واردکنندگان می‌توانند به تدریج به یک کشتی یا چند کشتی هایشان به مقصد نرسیده است می‌توانند با پرداخت هزینه متعارف به شرکت کشتیرانی، بندر دیگری را برای تخلیه بار خود انتخاب کنند؛ اما صادرکنندگانی که اسناد FOB آن‌ها برای بندر شهید رجایی نهایی شده است، برای تغییر بندر، علاوه بر پرداخت هزینه‌های سنگین جهت جابه‌جایی کالا بین بنادر، باید هزینه بالایی نیز بابت اصلاح اسناد FOB بپردازند. در عین حال باید توجه داشت که تقریباً نیمی از ظرفیت بندری جنوب کشور در بندر شهید رجایی متمرکز است و امکان جایگزینی سریع این ظرفیت از طریق سایر بنادر وجود ندارد.



انبارهای کالاهای اساسی و مخازن روغن ملکی و استیجاری تحت نظارت این اداره کل، کاملاً ایمن و مطلوب بوده و هیچ آسیبی به آنها وارد نشده است. وی تأکید کرد که پس از رفع محدودیت‌های موقت، عملیات تخلیه یک فروند کشتی اقیانوس‌پیما حامل گندم کیفی و یک فروند کشتی دیگر حامل برنج، به‌زودی از سر گرفته خواهد شد.

در تماس است، قرار نگرفت. همچنین ظهر دیروز اعلام شد قرار است گمرک ایران تا ساعاتی دیگر موضوع آغاز مجدد انجام تشریفات گمرکی در تمامی رویه‌ها را رسماً اعلام کند. اما این موضوع نیز، تا عصر دیروز اعلام نشد. مسعود رمضان‌پور، مدیر کل غله و خدمات بازرگانی استان هرمزگان، اطمینان داد که وضعیت سیلوهای گندم،

بندر امام خمینی	بندر شهید رجایی	ویژگی‌ها
واردات کالاهای اساسی	کانتینری، تجاری	نوع فعالیت
ظرفیت پذیرش کشتی‌های بزرگ (تا ۱۰۰ هزار تُن)	ظرفیت پذیرش کشتی‌های بزرگ (تا ۱۸۰ هزار تُن)	ظرفیت پذیرش کشتی‌ها
۱۴ اسکله	بیش از ۳۰ اسکله	تعداد اسکله‌ها
متوسط	سریع‌ترین در ایران، با تجهیزات پیشرفته	سرعت تخلیه و بارگیری
حدود ۴۰۰ هزار متر مربع	حدود ۸۰۰ هزار متر مربع	ظرفیت انبار گمرکی
عمدتاً کالاهای اساسی	بیش از ۸۵ درصد از کل ترانزیت کشور	حجم ترانزیت سالانه
غلات، مواد شیمیایی	کالاهای صنعتی، مصرفی، مواد اولیه	کالاهای عمده وارداتی/صادراتی
عمدتاً واردات کالاهای اساسی	۴۵ درصد واردات و ۵۵ صادرات غیرنفتی	سهم از واردات و صادرات کشور

یادداشت

چشم‌انداز اقتصادی ایران در پسا مذاکرات؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

بازار ارز امیدوار به تحول



حمید رجبی
روزنامه نگار

احیای مذاکرات هسته‌ای میان ایران و ایالات متحده آمریکا و مثبت بودن این مذاکرات، باعث ایجاد خوش‌بینی نسبت به آینده بهتر اقتصاد ایران شده است. این مذاکرات تا این مرحله، تأثیر مثبتی بر اقتصاد و برخی بازارهای ایران داشته که بارزترین آن بازار ارز بوده چراکه هنگام شروع مذاکرات قیمت هر دلار بالای ۱۰۰ هزار تومان بود اما حالا به...

این کاهش عمدتاً ناشی از امیدواری به کاهش تحریم‌ها و بهبود روابط بین‌المللی بوده است. در همین راستا بازار سرمایه نیز واکنش مثبتی نسبت به این دور از مذاکره‌ها داشت و عرضه سهام بسیاری از شرکت‌ها که در یک ماه اخیر به رنگ قرمز درآمده بود، در چند روز گذشته رشد داشته و سبز شدند که این خود افزایش امید به رشد بورس را زنده کرده است. بازار موبایل هم به این مذاکرات واکنش مثبتی داشته و قیمت برخی از مدل‌ها کاهش داشته است.

عدم سکون مسکن و خوراکی

اما در پی کاهش قیمت دلار که به عنوان سبب‌کنالی از کاهش تنش‌ها تعبیر می‌شود، بازار مسکن، نسبت به این تحولات هیجانی واکنش نشان نداده و فعلاً در وضعیت سکون باقی مانده است با این حال این امیدواری وجود دارد که با تداوم گفت‌وگوهای مثبت سیاسی، بخش مسکن و مصالح ساختمانی نیز به‌زودی وارد فاز مثبت شده و در ادامه شاهد کاهش هزینه‌های ساخت و ساز و کاهش قیمت مسکن باشیم. در بخش بازار مواد غذایی هم مانند مسکن، فعلاً شاهد کاهش قیمت‌ها نبوده‌ایم چراکه مواد اولیه تهیه مواد خوراکی از قبل و

بالا در بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان خریداری شده است. کسری بودجه، افزایش نقدینگی، افزایش نرخ ارز و تورم بالا از مهمترین دلایل شرایط نامطلوب و بیمار گونه اقتصاد ایران هستند. بنابراین اگر شرایط به شکل مطلوبی پیش برود، می‌توان انتظار داشت که در پسا مذاکرات با برداشته شدن تحریم‌ها و ورود سرمایه‌های خارجی به کشور، اقتصاد ایران ظرف چند سال آینده متحول شده و با افزایش تولید و صادرات، بازارهای مختلف کشور جان تازه‌ای بگیرند.

چشم‌انداز آینده

در صورت تداوم روند مثبت مذاکرات و دستیابی به توافق، اقتصاد ایران می‌تواند از مزایایی مانند افزایش صادرات نفت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بهبود روابط بانکی بین‌المللی بهره‌مند شود. با این حال، عدم قطعیت در نتیجه مذاکرات و واکنش‌های سیاسی داخلی و خارجی می‌تواند چالش‌هایی را به همراه داشته باشد.

در مجموع، مذاکرات ایران و آمریکا تأثیرات مثبتی بر اقتصاد و بازارهای ایران خواهد داشت اما پایداری این روند به نتایج نهایی مذاکرات و اقدامات متقابل طرفین بستگی دارد.

در میان مذاکرات اخیر، زرمزهایی از تجارت و سرمایه‌گذاری طرف آمریکایی در ایران، در صورت ادامه روند مثبت مذاکرات شنیده شد. حال‌این سوال مطرح می‌شود که آیا فضای ایران واقعاً برای تجارت با آمریکا باز است؟ پاسخ مثبت است، به ویژه اگر سیاستگذاران ایران و آمریکا، احیای روابط اقتصادی دوجانبه خود را در کنار بازسازی توافق هسته‌ای در اولویت قرار دهند. لغو تحریم‌های اولیه تأثیر چشمگیری بر روابط اقتصادی آمریکا و ایران خواهد داشت. اما اگر این تحریم‌ها همچنان پابرجا باشند، شرایط برای این مهم بسیار پیچیده و سخت خواهد بود.

اوج روابط اقتصادی ایران و آمریکا به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برمی‌گردد. شرکت‌های آمریکایی مانند جنرال الکتریک، جنرال موتورز و دیویونت نقش اصلی را در صنعتی‌سازی ایران ایفا کردند و به بخش‌های نفت و تولید ایران کمک کردند تا به شهرت جهانی دست یابند. برندهای مصرفی مانند ژیلت و کوکاکولا و امثالهم هم مورد علاقه خانوارهای ایرانی بودند.

واضح است که یک توافق هسته‌ای جدید می‌تواند روابط اقتصادی آمریکا و ایران را احیا کند. اما بازگشت تجارت و سرمایه‌گذاری در سال‌های ابتدایی پسا مذاکرات احتمالاً اندک خواهد بود، مگر اینکه تلاشی هماهنگ از سوی دولت‌های آمریکا و ایران برای تبدیل روابط اقتصادی عمیق‌تر به سنگ بنای یک توافق جدید - به خصوص اگر تحریم‌های اولیه به قوت خود باقی بماند- انجام شود. اکثر شرکت‌های آمریکایی با توجه به نگرانی‌های ذاتی مبنی بر شکست هر گونه معامله بین دو کشور و اعمال مجدد تحریم‌ها توسط ترامپ، محتاط خواهند بود چرا که شرکت‌ها نیز در مواجهه با اقتصاد جهانی بی‌ثبات به‌طور فزاینده‌ای ریسک‌گرا تر هستند.

با این حال اگر صحبت‌های هر دو طرف در مورد مثبت بودن مذاکرات را در نظر بگیریم، می‌توان امیدوار بود که در پسا مذاکرات، سطح رفاه عمومی در ایران افزایش محسوسی داشته باشد.

فناوری اطلاعات

به دنبال مهارت‌های جدید باشیم

هفت صبح - با بازگشت ایران به اقتصاد جهانی و از سرگیری روابط تجاری با کشورهای مختلف، شاهد تحولات گسترده‌ای در بازار کار کشور خواهیم بود. در این مسیر، مشاغل سنتی که در دوران تحریم و انزواشکل گرفته‌اند، به تدریج جای خود را به مشاغل جدید و تخصصی‌تر خواهند داد. در این شرایط، مهم‌ترین نکته این است که نیروی کار ایران باید خود را با تحولات جدید هماهنگ کرده و به دنبال یادگیری مهارت‌های نوین باشد. همین مسئله، خود به پویانمایی و رونق صنعت آموزش‌های کاربردی منجر خواهد شد. یکی از بخش‌هایی که تحت تأثیر این تحولات قرار خواهد گرفت، صنعت نفت و گاز است. در سال‌های اخیر، به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری، بسیاری از پروژه‌های نفتی و گازی با مشکلات فراوانی مواجه بودند اما با باز شدن درهای اقتصاد جهانی، این صنعت دوباره به عرصه رقابت جهانی وارد خواهد شد. پروژه‌های جدیدی به اجرا در خواهند آمد. این روند منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش‌های فنی و مهندسی خواهد شد که نیازمند مهارت‌های تخصصی و به‌روز است.

از سوی دیگر، صنایعی که صرفاً به تأمین نیازهای داخلی پرداخته‌اند، ممکن است در برابر محصولات وارداتی و رقابت جهانی، کاهش یابند. مشاغل وابسته به این صنایع که از نظر تکنولوژی و بهروری در سطح پایین‌تری قرار دارند، دیگر قادر به رقابت نخواهند بود و به تدریج از بین خواهند رفت. این تغییرات، فرصت و در عین حال هشدار برای نیروی کار است تا مهارت‌های خود را ارتقا داده و به سمت مشاغل با تکنولوژی پیشرفته حرکت کند.

همچنین، توافقات بین‌المللی زمینه‌ساز رشد مشاغل جدید در بخش‌هایی مانند فناوری اطلاعات، تجارت جهانی، خدمات مشاوره‌ای و گردشگری می‌شود. به عنوان مثال، با افزایش تعاملات بین‌المللی، نیاز به متخصصانی که در امور تجاری بین‌المللی، مدیریت پروژه‌های جهانی و ترجمه مسلط باشند، بیشتر خواهد شد. در این راستا، مهارت‌هایی مانند تحلیل داده، برنامه‌نویسی، طراحی و توسعه نرم‌افزار و مدیریت استراتژیک، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهند بود.

رقص شعله‌ها در یوم و بندر

روایت نقاشان بزرگ قدرت آتش، ویرانگری و جاودانگی

گروه فرهنگ و هنر | وقتی خبر آتش‌سوزی مهیب بندر شهید رجایی در هرمزگان به گوش رسید، قلیمان لرزید. دست کم ۴۰ نفر جان عزیزشان را از دست دادند و بیش از ۹۰۰ نفر زخمی شدند. اما این فاجعه چیزی بیش از یک خبر است. روایتی از قدرت ویرانگر آتش است، همان نیرویی که قرن‌هاست انسان را به چالش می‌کشد و حتی هنرمندان بزرگ را مسحور خود کرده است.

ویلیام ترنر و سوختن پارلمان

«۱۶ اکتبر ۱۸۳۴ (۱۸۳۵)»



تصور کنید کنار رود تیمز ایستاده‌اید و آسمان لندن در آغوش شعله‌های آتش می‌سوزد. این همان صحنه‌ای است که جوزف مالورد ویلیام ترنر، نقاش رمانتیک بریتانیایی، در تابلوی «سوختن پارلمان» به تصویر کشید. کاخ وست‌مینستر سال ۱۸۳۴ طعمه حریق شد و ترنر خود شاهد این فاجعه بود. او با قلم‌مویش شعله‌های نارنجی و زرد را چنان زنده کرد که گویی آتش روی بوم نفس می‌کشد. انعکاس نور روی رودخانه و دودهایی که آسمان را بلعیده‌اند، حس هراس و شگفتی را به جانمان می‌اندازند. این تابلو که اکنون نسخه‌هایی از آن در موزه هنر کلیولند و موزه فیلادلفیا نگهداری می‌شود، گویی با انفجار بندر شهید رجایی هم صدا است. آتش در هر دو صحنه، چه در لندن قرن نوزدهم و چه در هرمزگان امروز، قدرتی بی‌رحم دارد که چیزی جلودارش نیست.

گوستاو کلیمت و بانوی کنار شومینه

«۱۸۹۷-۱۸۹۸»



گوستاو کلیمت، نقاش اتریشی، در فضاهایی شبیه پرتره‌های اتاقی خود، مانند پرتره سررنا لدرر یا در اثری مشابه «زن نشسته کنار شومینه» از مدرسه وینی، زنانی را نشان می‌دهد که کنار آتشی گرم لمیده‌اند. نور ملایم شومینه با رنگ‌های گرم و خطوط محو، فضای رؤیایی می‌سازد. اینجا آتش نه ویرانگر که آرامش‌بخش است. این تابلو که در موزه پلودر وین نگهداری می‌شود در تضاد با فاجعه بندر به ما یادآوری می‌کند که آتش دو چهره دارد. یکی خشمگین و دیگری مهربان. کلیمت ما را به سوی گرمای امید دعوت می‌کند، گویی می‌گوید حتی پس از شعله‌های سرکش می‌توان آرامش را بازیافت.

هنر

یان بروگل و سوختن تروآ

«حدود ۱۵۹۳»

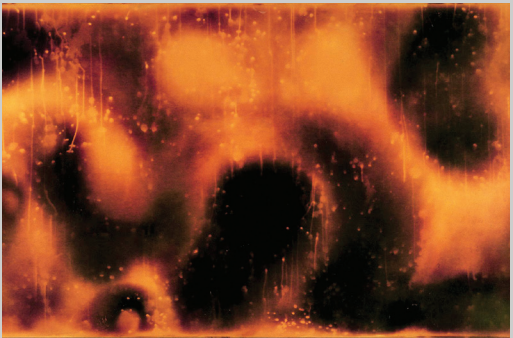


در دنیای اسطوره‌ها، یان بروگل، نقاش فلاتندری، شهر تروآ را در شعله‌ها غرق کرده است. در تابلوی «سوختن تروآ» آتیناس، قهرمان اسطوره‌ای، از شهری در حال نابودی می‌گریزد. شعله‌های سرخ و نارنجی آسمانی دودگرفته را می‌شکافند و جزئیات دقیق بروگل، از درختان سوخته تا دیوارهای فرو ریخته، فاجعه را ملموس می‌کنند.

این اثر که در موزه تاریخ هنر وین نگهداری می‌شود داستانی باستانی را روایت می‌کند، اما حسش برای ما آشناست. بروگل در این اثر به ما می‌گوید که آتش چه در اسطوره و چه در واقعیت، همیش‌ه نشانه پایان یک چیز و آغاز چیزی دیگر است.

ایو کلاین و نقاشی با آتش

«۱۹۶۱»



از دل اسطوره‌ها به قرن بیستم می‌آییم. جایی که ایو کلاین، هنرمند فرانسوی، آتش را نه فقط سوزه بلکه ابزار کارش کرد. در نقاشی‌های آتش، او با مشعل صنعتی روی مقواهای فشرده شعله کشید و گاهی بدن‌های خیس را روی بوم فشار داد تا رد‌هایی شب‌مانند بسازد. نتیجه؟ اثری پر از بافت‌های سوخته و طلایی که انگار روح آتش را زندانی کرده‌اند. کلاین آتش را نیرویی معنوی و کیمیاگری می‌دید. این آثار که نمونه‌هایشان در موزه هنر مدرن نیویورک نگهداری می‌شود از انفجارهای شیمیایی مثل آنچه در بندر شهید رجایی رخ داد سخن می‌گویند. جایی که آتش در یک لحظه همه چیز را دگرگون می‌کند.

الکسی دنیسوف-اورالسکی و آتش در جنگل

«۱۹۰۰»



آخرین اثر از جنگل‌های سوخته روسیه است. جایی که در فضایی مشابه با تابلوی «آتش در جنگل» اثر ایوان شیشکین و کنستانتین ساویتسکی، طبیعت را در چنگال شعله‌ها می‌بینیم. درختان در آتش می‌سوزند. حیوانات می‌گریزند و رنگ‌های تند، حس ترس را فریاد می‌زنند. این اثر عظیم، انگار نبض آتش را گرفته است. این تابلوها که در موزه‌های محلی یا مجموعه‌های خصوصی روسیه نگهداری می‌شود نشان می‌دهند که وقتی آتش بیدار می‌شود هیچ چیز، نه طبیعت و نه مصنوعات بشری، در امان نیست. آتش، قصه‌گوی بی‌رحمی است که داستانش را با دود و خاکستر می‌نویسد.

این نقاشی‌ها هر کدام به زبان خود،

از قدرت و دوگانگی آتش سخن

می‌گویند. نیرویی که می‌سوزاند و

نیرویی که روشن می‌کند. در حالی که

برای قربانیان حادثه بندر رجایی شهر

اشک می‌ریزم و به زخمی‌ها دل

می‌سیاریم، شاید این آثار به ما کمک

کنند تا در میان خاکستر جرعه‌ای

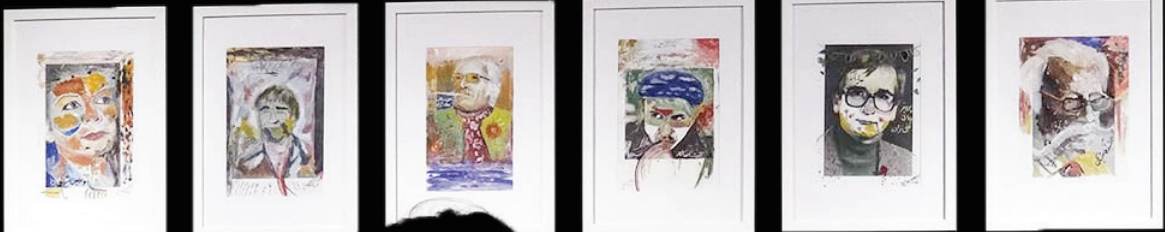
از معنا و همدلی بیابیم. هنر حتی در

تاریک‌ترین لحظه‌ها، راهی است برای

فهمیدن و دوباره برخاستن.

پرواز روح خلاق و آزاد بازیگری بر تابلوهای نقاشی

نقاشی‌هایی از جنس خاطره و خیال



سمایابی | رضا پاک، بازیگر دوست‌داشتنی سینما، تئاتر و تلویزیون که خاطرات

چند نسل از ایرانیان با نقش آفرینی‌های ش‌گره خورده، این‌بار نه در قاب تصویر که بر بوم نقاشی هنر‌نمایی کرده‌اند. نمایشگاه «پاک‌بک»، مجموعه‌ای از آثار نقاشی اوست که از جمعه گذشته در گالری ثالث رونمایی شد. این دومین نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های اوست. نخستین‌بار در سال ۱۳۷۹ با نمایشگاهی به نام «زنگ نقاشی» در گالری سکو، نگاه مخاطبان را به جهان رنگی‌اش جلب کرده بود و حالا این نمایشگاه منتخبی است از نقاشی‌هایی که رضا پاک در سال‌های اخیر خلق کرده است. آثاری که لبریز از لطافت، سادگی و نگاهی کودکانه به جهان هستند. به گفته بر گزار کنندگان نقاشی‌های او بی‌واسطه‌اند. صیقل نخورده اما صادق و بی‌تکلف و به نوعی بازتاب درونیات، خاطرات و هیجانات شخصی نقاش هستند.

رضا پاک خود درباره این وجه کمتر دیده‌شده‌اش چنین می‌گوید: «از پیش از انقلاب نقاشی می‌کشیدم، ولی پس از آن به‌طور جدی‌تر ادامه دادم. در سال‌هایی که از بازی در تئاتر و فیلم فاصله داشتم، نقاشی برایم جبران آن خلأ بود. راهی برای تخلیه احساسات و انرژی.» اما او تنها بازیگری نیست که نقاشی می‌کند، به پنهان نمایشگاه نقاشی‌های او، نگاهی به تعدادی از بازیگران سینمای ایران داشته‌ایم که نقاشی نیز می‌کنند.

«خلاقیتی از جنسی دیگر

خلاقیت جوهره هنر است، اما خلاقیت در بازیگری و نقاشی دو شکل متفاوت به خود می‌گیرد. بازیگر خلاقیت خود را در بدن، به بازیگر نگاه و حرکت آشکار می‌کند. او در صحنه با مقابل دوربین، باید خلاقیت را در قالب قواعد مشخصی چون فیلمنامه، کارگردانی و نقش جاری سازد. اما نقاش در لحظه خلق، آزاد است. فارغ از نقش،

فارغ از دگوایز، فارغ از دیالوگ، برای بازیگرانی که همواره در حال اجرا بر اساس خواست دیگران هستند، نقاشی می‌تواند نوعی بازگشت به خلاقیت محض باشد. جایی که ذهن ناخودآگاه فرمان می‌دهد، نه کارگردان یا فیلمنامه‌نویس. این تجربه آزادی، برای هنرمندی که همواره در نقش‌های محدودکننده گرفتار است، می‌تواند نوعی رهایی باشد. نقاشی، به آن‌ها مجال می‌دهد تا خالق باشند، نه فقط مفسر. این خلاقیت بی‌واسطه، به هنرمند امکان می‌دهد با لایه‌های عمیق‌تری از ذهن و روان خود در تماس باشد. لایه‌هایی که شاید در بازیگری به دلیل حضور ناظر بیرونی، فرصت بروز کامل نمی‌یابند. به علاوه، بسیاری از بازیگران اظهار داشته‌اند که در جریان نقاشی، ایده‌هایی برای نقش‌های آینده یا الهام‌هایی برای حس‌سازی پیدا کرده‌اند. به‌طوری‌که نقاشی به فرآیند آماده‌سازی روانی آن‌ها برای نقش آفرینی نیز کمک کرده است.

نقاشی، آینه‌ای برای نقش آفرینی

جالب آن‌که بسیاری از بازیگرانی که نقاشی می‌کنند، از تأثیر عمیق این هنر بر فرآیند بازیگری‌شان سخن گفته‌اند. در نظر آن‌ها نقاشی نه تنها یک فعالیت مکمل، بلکه بستری برای پرورش نگاه بازیگر است. کسی که نقاشی می‌کند به جزئیات حساس‌تر می‌شود. نور، سایه، رنگ و بافت را بهتر درک می‌کند. همین حساسیت بصری در بازی مقابل دوربین یا بر صحنه می‌تواند به خلق بازی‌هایی دقیق‌تر و چندلایه‌تر منجر شود.

از سوی دیگر فرآیند نقاشی، ذهن را آرام می‌کند و به بازیگر فرصت می‌دهد تا از هیاهوی شهرت و مسئولیت‌های حرفه‌ای فاصله بگیرد. این آرامش درونی در اجرا یا بازیگر نیز بازتاب می‌یابد. گاه در لحن صدایش، گاه در ژست‌ها و گاه در

سکوت‌های معنادار میان دیالوگ‌ها، در واقع تمرکز ذهنی که در جریان نقاشی به‌دست می‌آید، به بازیگر کمک می‌کند هنگام بازی نیز با تمرکز و حضور بیشتری ظاهر شود. برخی بازیگران نیز از نقاشی به عنوان تمرینی برای بازی بی‌کلام استفاده کرده‌اند. تمرینی که به آن‌ها می‌آموزد چگونه احساس را بدون نیاز به کلام منتقل کنند. درست مانند کاری که در یک تابلو رخ می‌دهد.

«هنرمندانی در پس بوم: بازیگران نقاش ایرانی»

در سینما و تلویزیون ایران نیز، چهره‌هایی وجود دارند که قلم‌مو را همچون نقش با مهارت در دست می‌گیرند. جواد رضویان بازیگری که شاید بیشتر با آثار طنز او را بشناسیم، فارغ‌التحصیل رشته نقاشی است.

نقاشی برای او تنها یک سرگرمی نیست، بلکه شکلی از زیستن هنری است. او کافه‌گالری‌ای راه‌اندازی کرده که در آن هنرجویان جوان را به دنیای رنگ‌ها هدایت می‌کند. آثارش ترکیبی از رئالیسم و نگاه شخصی او به زندگی روزمره است. در برخی از آثار او، طنز تلخی که در نقش‌هایش دیده می‌شود با رنگ‌هایی غلیظ و فرم‌هایی صریح بازتاب یافته‌است. گویی دنیای نقاشی برایش ادامه‌ای از بازیگری است.

حمید جبلی، چهره‌ای محبوب در عرصه بازیگری و صداپیشگی، نقاشی را با نگاهی فلسفی و نمادین دنبال می‌کند. تابلوهای او اغلب دارای مفاهیم اجتماعی-هویتی و انسانی‌اند. ترکیبی از رنج، طنز و تأمل. نمایشگاه‌های او همواره با استقبال روبه‌رو شده‌اند. او از نقاشی به‌عنوان روشی برای تأمل در جهان و انسان استفاده می‌کند. گویی هر تابلو، گفت‌وگویی است با مسائل



«تقاطع دو هنر

گریش بازیگران به نقاشی تنها یک کنج‌کاوی هنری نیست، نشانی است از پیوند ژرف میان دو جهان. جهان تصویر و جهان احساس. نقاشی برای بازیگر نه یک فعالیت جانبی بلکه فرصتی است برای نگرستن به جهان از زاویه‌ای متفاوت. فرصتی برای بازگشت به خویش در جهانی که پر از هیاهو، قضاوت و شتاب است. شاید همین بازگشت است که آثارشان را متمایز می‌سازد. آثاری که از دل تجربه زیستن در نقش‌ها، به زندگی واقعی برتاب می‌شوند و بی‌هیچ واژه‌ای، سخن می‌گویند. آن‌گونه که هنرمند، نه فقط بازیگر، بلکه راوی صامت حقیقتی عمیق‌تر باشد. شاید بتوان گفت که قلم‌مو در دستان این بازیگران، همان نقشی را دارد که واژه در دهان بازیگر دارد. ابزاری برای خلق جهان‌هایی تازه و بی‌تکرار.



قهرمانانی که در مرزهایی نام‌و‌آن سوی مرزها صاحب‌نام شدند

انیمیشن، مبارزه‌ای برای بقا

مقایسه حمایت رسمی و دولتی از انیمیشن در ایران و هلند

زهرا نورا نجفی

هفت صبح

هنرمندان در هر کشوری نیازمند حمایت مسئولان دولتی هستند، اما آیا همیشه این حمایت‌ها در عمل صورت می‌گیرد؟ در ایران، هنرمندان برای دریافت بودجه و توجه مسئولان با چالش‌های فراوانی روبه‌رو هستند، در حالی که در کشورهای دیگر مانند هلند، سیستم‌های فرهنگی به‌گونه‌ای سازماندهی شده‌اند که از هنرمندان به‌طور مؤثری حمایت می‌کنند.

پرسشی بنیادی که هرگز نباید فراموش شود این است که آیا مسئولان خودشان را خادم مردم می‌دانند؟! فلاسفه زیادی در طول تاریخ از این سخن گفته‌اند که مسئولان سیستم دولتی هر کشوری، باید خادم مردم باشند، نه ارباب آنها و بخش مهمی از این مردم، هنرمندان یک کشور هستند. هنرمندانی که میراث فرهنگی آینده کشورشان را می‌سازند. حفظ میراث فرهنگی فقط به معنی حفظ بناهای تاریخی بر جای مانده از هنرمندان پیشین نیست؛ حفظ میراث فرهنگی یعنی رسیدگی درست به درخواست‌های هنرمندان زمانه خود. به نظر می‌رسد این موضوعی است که در بخش دولتی کشورمان بیشتر از انتظار نادیده گرفته می‌شود. شاید به همین خاطر بود که وقتی منوچهر شاهسورای، دبیر جشنواره فیلم فجر سال ۱۴۰۳ تصمیم گرفت در مراسم اختتامیه، مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی به جای نخستن در ردیف‌های جلو به وسط سالن بروند و ردیف‌های جلو را به هنرمندان سینما بدهند؛ اتفاق نو و پراز شگفتی و درک برای اولین‌بار در آیین‌های سینمایی کشورمان رقم خورد. انکار شاهسورای که خودش از دل جامعه سینمایی برخاسته برای نخستین بار حقی را به هنرمندان کشور بازگرداند که سال‌ها بود زیر سایه قدرت‌طلبی مدیران فراموش شده بود. این معضل اما فقط مختص به سینما نیست، انیمیشن هم از قدرت‌خواهی و تمامیت‌طلبی مدیرانی آسیب دیده که هنوز خودشان را خادم نمی‌دانند. به همین دلیل بود که با نرجس محمدی، نویسنده، تصویرساز و کارگردان انیمیشن ساکن هلند گفت‌وگو کردیم. کارهای محمدی در کشورهای بسیاری مورد توجه قرار گرفته و در لیست بهترین آثار راه یافته به کشورهایی مانند استرالیا و آلمان قرار دارد. با او از برخورد مدیران فرهنگی آن‌سوی آب‌ها پرسیدیم. در ادامه سراغ، حسین مرادی‌زاده رفته‌یم که اولین انیمیشن کوتاهش را در سال ۱۳۶۹ ساخته است. شاید بتوانیم بگویم که او عظیم‌ترین فیلم عروسکی (استاپ موشن) سینمای ایران یعنی سه گانه «افسانه مار دوش» در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ برای مرکز پویانمایی صبا کارگردانی کرده است. از او که این روزها دیگر انیمیشن نمی‌سازد هم درباره علت این اتفاق و برخوردایی که مسئولان هر دوره در سازمان‌هایی که از ساخت انیمیشن حمایت می‌کنند، پرسیدیم.

۷

یعنی اگر ببینند کسی خوب کار می‌کند، استعداد و توانایی لازم را دارد، از او به راحتی نمی‌گذرند و اصلاً نادیده‌اش نمی‌گیرند. اگر این حمایتی که امروز در هلند برای کار کردن می‌گیرم، در کشور خودم می‌گرفتم هرگز آنجا را ترک نمی‌کردم.

آنچه در ادامه می‌آید سوالات یکسانی است که از دو هنرمند عرصه انیمیشن کوتاه در ایران و هلند انجام شده. این پرسشگری یکسان برای مقایسه دو فضا طراحی شد تا مخاطب خود به تفاوت‌های موجود برای انیمیشن‌سازان در دو کشور برسد.

۱

درخواست بودجه؛ فاند‌های دولتی تا بودجه پشت در اتاق!

اولین پرسش این بود که برای درخواست بودجه ساخت انیمیشن چه کاری باید انجام شود، چطور باید اقدام کرد؟ نرجس محمدی در این باره می‌گوید: «در هلند فاند‌ها (بودجه‌های فرهنگی) به شکل‌های مختلفی وجود دارند. هر استان و هر شهر بودجه فرهنگی مخصوص خود را دارد که می‌توانی برای پروژه‌هایت درخواست کنی. علاوه بر این، جشنواره‌های مختلفی برگزار می‌شود که هر کدام بخشی برای معرفی (پیچ) پروژه‌ها دارند که می‌توانی بودجه کمی، مثلاً ۲ هزار دلار برای ساخت فیلمت دریافت کنی.» او اشاره می‌کند که برخی از این مراکز مثلاً Nederlands Filmfonds (بنیاد فیلم هلند) مستقیماً به هنرمندان بودجه نمی‌دهند و حتماً باید تهیه‌کننده‌ای از طرف هنرمند با آن‌ها وارد مذاکره شود. چون بودجه‌های بزرگ‌تری هم در اختیار فیلمسازان قرار می‌دهند. حسین مرادی‌زاده، هنرمندی که بیش از ۳۰ سال سابقه در ساخت انیمیشن دارد در پاسخ به همین سوال می‌گوید: «مدیران از من می‌خواهند پشت در اتاق‌شان بنشینم. بارها بهم گفته‌اند ما به این دلیل به تو بودجه نمی‌دهیم که مثل بقیه پشت در اتاق ما نمی‌نشینی. حتی یادم می‌آید یکی از

۲

نه رد، نه تأیید، بی‌پاسخ می‌ماند؛ از هنرمند با استعداد نمی‌گذرند!

اما آیا همه چیز به همین سادگی است؟ در گزارش دو هفته پیش اشاره کردیم که حمید محمدی و مهدی خرمیان برای تصویب بودجه ساخت اثرشان، طی یک سال و نیم چهار طرح به مرکز پویانمایی صبا ارائه دادند. هر بار به آن‌ها وعده تصویب طرح داده شد و از آن‌ها خواسته شد که فیلمنامه ۱۰ یا ۱۲ قسمت را بنویسند، اما پس از آن به بهانه تغییر سیاست‌ها و بودجه کافی نداریم، طرح‌ها ایشان رد شده. حسین مرادی‌زاده که سه گانه «افسانه مار دوش» را با همین مرکز ساخته، همین وضعیت را تأیید می‌کند و می‌گوید: «در مرکز پویانمایی صبا ممکن است دو یا سه سال بگذرد و بدون پاسخ بماند، نه طرح‌تان تأیید می‌شود و نه رد.» او تأکید می‌کند که وضعیت در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی بهتر است. چرا که آن‌ها نهایت دو یا سه ماه پاسخ می‌دهند. البته، روند پرداخت بودجه در کانون بسیار طولانی است. در حالی که در مرکز گسترش سینمای مستند، پرداخت‌ها

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با اینکه طبق گفته این دو کارگردان مبلغ بسیار کمی و با دیرکرد یک ساله پرداخت کرده است، ولی مالک ۵۱ درصد از سهام انیمیشن کوتاه «در سایه سرو» است. در حالی که سهم مالی این سازمان و این دو کارگردان در برآورد هزینه این اثر طبق گفته خودشان مساوی بوده است.

۴

از انحصار پخش تا دریافت تندیس و جوایز!

هم که اقدامی نمی‌کنند و فقط کارها را آرشیو می‌کنند. محمدی درباره توقعات سازمان‌های حمایت‌کننده هلندی از هنرمندان می‌گوید: «حتی اگر کل بودجه ساخت یک فیلم را آن‌ها پرداخت کنند، هیچ ادعایی در مورد مالکیت فیلم ندارند. آن‌ها از فروش سهمی نمی‌خواهند. در اصل آنها تنها یک چیز از حمایتشان به دست می‌آورند و آن، بالا رفتن نام کشورشان است.» این الگوشان می‌دهد که در ایران، سازمان‌های حمایتگر نه تنها در زمینه بودجه، بلکه در حقوق مالکیت و توزیع نیز کنترل زیادی اعمال می‌کنند، در حالی که در کشورهای دیگر نگاه کاملاً متفاوت است.

۶

رقابت در نادیده گرفتن است یا کمک کردن؟!

گویی ساخت انیمیشن کوتاه در ایران بیشتر یک مبارزه برای بقاست تا یک فعالیت فرهنگی. این قصه‌ای است که اگر قرار باشد در صفحات روزنامه آن را پیگیری کنیم، می‌توانیم بی‌وقفه از خاطرات هنرمندانی نقل کنیم که طی سال‌های گذشته با کمترین حق و حقوق انیمیشن ساخته‌اند. آن‌طور که نرجس محمدی می‌گوید، در هلند سازمانی وجود دارد که انیمیشن‌های کوتاه را به عنوان مجموعه‌ای دسته‌بندی می‌کند و بهترین آثار را در اختیار مدارس و هر جایی که می‌خواهند این فیلم‌ها را نمایش دهند، قرار می‌دهد؛ البته با پرداخت هزینه نمایش. اما در ایران، به جز جشنواره‌ها و تجربه‌های محدود در گروه هنر و تجربه، برنامه ثابتی برای نمایش این آثار وجود ندارد. مرادی‌زاده می‌گوید: «متأسفانه مردم خودمان هم این آثار را نمی‌بینند. فقط به این دلیل کارهایم را به جشنواره‌ها می‌فرستم که حداقل چند نفر آن را ببینند. دیده شدن کار برای من بسیار مهم است. نمی‌دانم چرا وقتی سیستم بهترین جوایز را در بهترین جشنواره‌های دنیا می‌گیرد، نمی‌تواند حمایتگر باشد؟» نرجس محمدی هم که حالا فرضی برای مقایسه عملکرد مسئولان کشورش با کشوری اروپایی دارد، می‌گوید: «دیدن استعداد و توجه به کسانی که تلاش می‌کنند، بهترین کاری است که مسئولان می‌توانند انجام دهند؛ اما انگار در ایران رقابت بر سر نادیده گرفتن آدم‌هاست. در حالی که من در هلند فقط یک پرسش را به دفعت از زبان مسئولان بخش‌های مختلف شنیدم «چه کاری می‌توانم برای انجام دهم؟» اینجا رقابت در کمک کردن است.»

این، قصه پرنچ هنرمندانی بود که با وجود افتخارات جهانی، در خانه خودشان غریب مانده‌اند. امیدواریم روزی برسد که قصه شکوفایی و قدرشناسی از هنرمندان کشورمان را به نگارش در بیاوریم.



گزارش هفت‌صبح از وضعیت بندرعباس یک روز پس از حادثه

بندر زیر سایه غم

• انفجار در بندرعباس اهمیت تنوع‌بخشی بنادر کشور را آشکار کرد

• روز یکشنبه باز هم دو انفجار دیگر در بندر شهید رجایی رخ داد



لیلا مهداد

هفت صبح

بندر لرزید. موج انفجار تا شهر خودش را رساند تا اهالی را از اتفاق شومی که افتاده بود، خبردار کند. کانتینر ها ناخواسته تن به آتش داده، می‌سوختند و شعله‌ها زبانه می‌کشیدند و آسمان غرق در سیاهی دود شده بود و در این میان شهروندان مضطرب و نگران از کیلومترها دور تر نظاره‌گر رقص آتش در میانه آبی آسمان بودند. شهر از اتفاق شوک بود. دلشوره به جان اهالی افتاده بود که

عزیزی از آنها روی اسکله‌ها آستین همت بالا زده بود برای تامین نان خانه. موج انفجار خانه‌ها را لرزانده بود. شیشه برخی پنجره خانه‌ها و اتومبیل‌ها تاب موج را نداشتند و فرو رفته بودند. خیابان‌های شهر از ماشین‌هایی که راه بندر را در پیش گرفته بودند قفل بود؛ شهر نگران اهالی بندر بود و هست.

• گروه‌های تلگرامی شهر را خبردار کردند

شعله‌های آتش همچنان در میانه آسمان زبانه می‌کشند و حریف می‌طلبند. کانتینر هایی که تا قبل از این حادثه کنار هم با مسالمت همزیستی داشتند در میانه دود از نظرها پنهان شده‌اند. به گفته محلی‌ها، آتش اول به جان محوطه کانتینر های سینا افتاد و تا عصر دیروز انفجارهای کوچک دل اهالی را می‌لرزاند.

یکی از اهالی که پدر و مادرش «مریم» می‌نامندش از روز شوم بندر برای «هفت‌صبح» می‌گوید، از اتفاقی که حوالی ساعت ۱۲ رخ داد و شب‌ه اردیبهشت را برای همیشه در یاد اهالی ثبت کرد: «ساکنان غرب بندرعباس لرزش ناشی از انفجار را حس کردند.» کسی علت را نمی‌دانست. عده‌ای ماجرا را به انفجار کپسولی در نزدیکی محل زندگی‌شان محدود کردند و برخی گمان‌شان به زلزله‌ای رفت که احتمال می‌دادند موج برگشت هم داشته باشد. «بعد از مدتی صدا و سیما پخش زنده از حادثه بندر داشت. برخی گروه‌های تلگرامی هم جسته و گریخته فیلم‌های کوتاهی از حادثه منتشر می‌کردند.»

• عملیات کلید خورد

موج انفجار و فیلم‌های چند ثانیه‌ای که در تلگرام دست‌به‌دست می‌شدند به شایعات دامن می‌زدند. برخی از شایعات مخازن نفت را نشانده رفته بودند اما بعد مشخص شد مواد شیمیایی درون کانتینر ها بساط این حادثه را چیده است: «موج انفجار در مناطق مختلف بسته به فاصله‌ای که از بندر داشتند متغیر بود. خانه‌ها و ماشین‌هایی که در همسایگی بندر بودند حس‌ایی لرز به جانشان افتاد. هر چند موج انفجار در همان دقایق اولیه ماشین‌های آتش‌نشانی و اورژانس را به بندر کشاند و عملیات از همان‌جا کلید خورد و اسکله تخلیه شد.»



• گفتند در خانه بمانید

یکی از اهالی شنیده از شیراز، لار و جهرم برای پشتیبانی و امداد هوایی آمده‌اند. «رحیم» به «هفت‌صبح» می‌گوید: «از همان شنبه که از مردم خواسته شد در خانه بمانند از خانه بیرون نرفتیم.» او هم مثل بقیه شهروندان شنیده موادی که می‌سوزد شیمیایی است و مضرات خاص خودش را دارد: «هر کسی هم در شهر تردد می‌کند باید ماسک بزند تا خدای ناکرده دچار مشکل نشود. در چنین شرایطی باید خونسردی را حفظ کنیم. خدا خیرشان بدهد نیروهای امدادی که کاربلد هستند آمده‌اند کمک. کاری از دست مردم عادی که بر نمی‌آید فقط باید دعا کنیم.»

نام دوستان و نزدیکان «رحیم» در میان مصدومان نیست: «تعداد مصدومان زیاد است. از همان شب‌ه مراکز درمانی و اورژانس بیمارستان‌ها شلوغ است. مردم حق دارند ان شاءالله همگی لباس عافیت تن کنند و از بیمارستان مرخص شوند.»



هر کسی هم در شهر تردد می‌کند باید ماسک بزند تا خدای ناکرده دچار مشکل نشود. در چنین شرایطی باید خونسردی را حفظ کنیم. خدا خیرشان بدهد نیروهای امدادی که کاربلد هستند آمده‌اند کمک



متاسفانه با وجود مهار ۸۰درصد آتش هنوز دسترسی به برخی نقاط میسر نشده است و همین مسئله شرایط را برای افرادی که از عزیزانشان بی‌خبرند راسخت کرده است

• آتش از سوختن دست نکشیده

دقایق که پشت سر هم می‌گذشتند و ابعاد جدید از حادثه را رو می‌کردند اهالی شنیدند که نیروی دریایی سپاه، نیروی زمینی، هلال احمر و ... در منطقه حاضر شدند. زرگر یکی از اهالی بندر است و سروکارش با قلم و نوشتن است. او به «هفت‌صبح» می‌گوید: «به گفته اهالی رسانه که در منطقه حادثه حضور داشتند بوی مواد شیمیایی در هوا استشاق می‌شد و کسانی که در منطقه حادثه بودند از ماسک استفاده می‌کردند. آنها گفته بودند تا زمانی که در منطقه حضور داشتند آتش شعله‌ور بود.»

هر چند به گفته زرگر هنوز در میانه ساعاتی که به ظهر یکشنبه نزدیک می‌شوند آتش از سوختن دست نکشیده: «همان روز حادثه سپاه نزدیک اسکله بیمارستان صحرایی بر پا کرد.» بعد از حادثه بیمارستان‌های سیدالشهدا، خاتم الانبیا و شهید محمدی میزبان مصدومان شدند. به گفته زرگر شهرهای اطراف برای ارسال کمک‌های امدادی اعلام آمادگی کردند. فردگاه بین‌المللی بندرعباس برای انتقال مصدومان آماده شد. این خبرنگار محلی می‌گوید: «دیشب ساعت دو نیمه شب با مدیریت بحران صحبت کردم. ایشان می‌گفتند باید آتش خاموش شود تا بتوانیم تعداد فوتی‌ها و مفقودین را اعلام کنیم. از آنجایی که موادشیمیایی در حال سوختن است اطفای آن زمان‌بر خواهد بود.»



مفقودین هم بیشتر افرادی هستند که روی اسکله در حال تردد بودند. آتش هنوز خاموش نشده. آماری از تعداد مفقودین در دست نیست چون برخی از شرکت‌های خصوصی در این زمینه فعالیت می‌کنند و باید لیست کارکنانشان را ارائه بدهند.» او پای صحبت‌های خانواده‌ای نشسته که ۴نفرشان در لیست مفقودین هستند: «۳ تا از آنها برادر هستند و در منطقه مشغول به کار بودند و هنوز اطلاعی از آنها در دست نیست

• شنیدن صدای انفجار؛ ۴۵کیلومتر دور تر از محل حادثه

«خیلی‌ها یکشنبه از بیمارستان و مراکز درمانی مرخص شدند و در خانه دوره نقاهت‌شان را می‌گذرانند.» «محمود» معتقد است شهر هنوز از شوک حادثه بیرون نیامده. او به «هفت‌صبح» می‌گوید: «منطقه حادثه تخریب شده. شدت انفجار و تخریب تا جایی بوده که ساختمان‌های اداره کل بندر و گمرک تخریب شده.» او در زمان حادثه در جلسه‌ای حضور داشته؛ در مسافتی ۴۵کیلومتر دورتر از محل حادثه: «صدای انفجار که آمد شیشه‌ها لرزیدند گمان کردیم کپسولی چیزی در نزدیکی ساختمانی که بودیم تر کیده.» «محمود» تماس‌هایی از دوستان و آشنایانش داشته: «می‌گفتند صدای انفجار به شهر شنیده شده و جوبای حالم بودند. اولین خبرها که از بندر آمد و شدت دودی که در آسمان دیده می‌شد نشان می‌داد حادثه‌ای گسترده رخ داده.»

• ۱۶۰کپ در محل حاضر هستند

بحران انتشار موادشیمیایی و آلایندگی که در پی آتش‌سوزی به راه افتاده بود شهر را به تعطیلی کشاند: «تا روز یکشنبه ۴۰ نفر کشته و نزدیک به ۸۰۰ نفر مصدوم شده‌اند. در حال حاضر از التهاب اولیه شهر کاسته شده و می‌توان گفت شرایط عادی‌تر از روز شب‌ه است.» به وقت حادثه و در همان ساعات اولیه هیاوهویی که شهر را فرا گرفته بود گروه‌های امداد با وجود ترافیک خود را به محل رسانده و در مکان‌های امن مستقر شده بودند: «شب شب‌ه همه دسترسی‌ها به بندر بسته شده بود. می‌گفتند ۱۶۰کپ در محل حاضر هستند. تیم‌های آتش‌نشانی و هلال احمر و حتی نیروی زمینی و سپاه هم برای کمک آمدند.» تعداد مفقودین این حادثه تا این لحظه یعنی ظهر یکشنبه ۶نفر اعلام شده است: «مطمئناً افرادی هستند که در کنار کانتینر‌ها کار می‌کردند.»

• باید شوک حادثه را پشت سر بگذارند

«هر جاودان» جزو تیم سحر هلال احمر است که خودش را با هم‌تیمی‌هایش به بندر رساند: «بیشترین دغدغه و نگرانی که برخی اهالی را مضطرب کرده، مفقودین حادثه است.» بعد از حادثه شهروندانی که کسی را مشغول در اسکله داشتند خود را به هر زحمتی شده به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی رساندند تا نشانی از عزیزشان پیدا کنند: «بیشتر این شهروندان در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دنبال عزیزانشان هستند. اهالی تیم سحر خودجوش به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی سرکشی می‌کنند تا مرهمی باشند بر زنجی که برخی از شهروندان می‌کشند: «همراهان بیماران و خود مصدومین را دلداری می‌دهیم. با آنها صحبت می‌کنیم هر چند باید شوک حادثه را پشت‌سر بگذارند.»

• هنوز آماری از تعداد مفقودین در دست نیست

۱۶تیم امدادی از هلال احمر در محل حادثه حاضر شده و ۳تیم سحر در مراکز درمانی خدمات‌رسانی می‌کنند: «امکان حضور ما در اسکله نیست اما پشت‌ صحنه آمده خدمات‌رسانی هستیم.» بنابر گفته جاودان به «هفت‌صبح» بیشتر مصدومان کارمندی هستند که در بندر مشغول کار بودند: «مفقودین هم بیشتر افرادی هستند که روی اسکله در حال تردد بودند. آتش هنوز خاموش نشده. آماری از تعداد مفقودین در دست نیست چون برخی از شرکت‌های خصوصی در این زمینه فعالیت می‌کنند و باید لیست کارکنانشان را ارائه بدهند.» او پای صحبت‌های خانواده‌ای نشسته که ۴نفرشان در لیست مفقودین هستند: «۳ تا از آنها برادر هستند و در منطقه مشغول به کار بودند و هنوز اطلاعی از آنها در دست نیست.»



پای حرف‌های سرپرست تیم سحر هلال احمر در بندرعباس

غم، شهر را تسخیر کرده است

گوش شهر از کل مداران و خواهران پُر شده. راه‌های منتهی به اسکله مسدود شدند تا تیم‌های امداد بی‌هیچ دغدغه‌ای از سلامت جان سایر شهروندان به کارشان مشغول باشند اما دل‌های نگران درگی از مسدود بودن و محدود شدن راندارند. دل‌هایی که از این بیمارستان به بیمارستان دیگر خودشان را می‌رساند در پی نشانی از عزیزی که از ظهر شب‌ه از او بی‌خبرند. آشننگی و دلشوره مادران و پدران و همسران دل‌نگران به شهر سرایت کرده و شهر در بهت این غم فرو رفته. زناخت خنج به سر و صورت می‌کشند و هر مرد وزنی که لباس امداد، آتش‌نشانی، پرستاری و... به تن دارد سراغ عزیزشان را می‌گیرند. صدای فریادهای دل‌های سوخته و چشم‌انتظار از گوشه و کنار شهر به گوش می‌رسد. شهر از سیاهبوش‌شان برای عزیزانش طفره می‌رود و هنوز امید دارد از زیر خاکستری که به جا خواهد ماند عزیزی جان سالم به در برده باشد: خواسته‌ای که بی‌شک از واقعیت بسیار دور است. در این میانه عزای خفته در شهر، همسرانی هم هستند که سرنوشت رخت سیاه عزرا را برایشان رقم زده. شب‌ه همان مردی که شماه پیش خبر پدر شدنش را از همسرش شنید و شروع کرد به رویا بافی برای پدر شدنش. شیرینی که دوامش شماه بیشتر ناپایید و حالا رخت سیاه و همسر و فرزندش را به تن کرده. مردی که طبق روایت شاهدان صدای شکستن کمرش شنیده شد. از وقتی که بالای آتش افتاده به جان اسکله اهالی خواب‌نار ند و سرگشته اخبار را در می‌کند تا از مهار آتشی بشنوند که آتش به جان بسیاری از خانه‌ها زد.

• بار مفقودین بر دوش شهر سنگینی می‌کند

سگوگل رنجبران، سرپرست تیم سحر هلال احمر هرمزگان به «هفت‌صبح» از ۶تیم ۱۴ نفره‌ای می‌گوید که برای حمایت‌های روانی در شهر حاضر شده‌اند. رنجبران داغ شهر را بزرگ می‌بیند اما بار مفقودین بیش از همه بر دوش شهر گویی سنگینی می‌کند: «متاسفانه با وجود مهار ۸۰درصد آتش هنوز دسترسی به برخی نقاط میسر نشده است و همین مسئله شرایط را برای افرادی که از عزیزانشان بی‌خبرند راسخت کرده است.» او از اجساد می‌گوید که از شدت سوختگی قابل شناسایی نیستند و گاهی اوقات تنها از الگوهایی که دور هم‌ها پیچیده شده‌اند گواه این می‌شوند که جسد متعلق به زنی است از دیار بندر. سرپرست تیم سحر هرمزگان از مهندسی می‌گوید که یک روزه از تهران خودش را به بندر رسانده اما دست سرنوشت طوری رقم زده تا نامش در میان مصدومان ثبت شود: «هنوز کیف خون‌آلودش همراهش بود.»

• جیغ‌های دلخراش همه شهر را فرا گرفت

آنان که به هزار امید عزیزی را راهی اسکله کرده بودند و زمانی از اینکه نام عزیزشان در میان کارکنان شرکتی ثبت شده بود خوشحالی کرده بودند، امروز جیغ‌های دلخراش‌شان همه شهر را فرا گرفته. فریادهایی از ته دلی که از اتفاقی سسوخته: «خانواده‌ای از زمان حادثه تا ۳تیمه دیشب پیگیر دو تن از اقوامشان بودند که متاسفانه همان نیمه‌شب متوجه شدند فوت کردند.» رنجبران از نوع‌وسی می‌گوید که فرزندش را شماه باردار بوده و حالا در سردخانه یکی از بیمارستان‌ها آرام گرفته. حادثه و ابعادش همه شهر را با کم خود برده تا شهر در شوک حادثه به عزای عزیزانی بنشیند که شاید برایش غریبه هم باشند: «جلوی بیمارستان‌ها مملو از خانواده‌هایی است که هنوز نشانی از عزیزانشان به دست نیاورده‌اند. وقتی با آنها صحبت می‌کنیم با حرف‌زدن تخلیه روانی می‌شوند.» هر کسی که می‌رسد از قد و بالاای عزیزشان روایت می‌کنند و وامصیبت سر می‌دهند که اگر چشمشان دیگر به آن قد و بالا نیفتد زمین و زمان را به هم می‌دوزند و نفس در سینه‌شان حبس می‌شود. هیچ کدام از آنها هنوز تسلییم این واقعیت نشده‌اند که شاید آخرین خداحافظی که داشتند سلامش بماند برای روز قیامت.

• همه در بهت و غم فرو رفته‌اند

به گفته رنجبران برخی از مصدومان راهی تهران و شیراز شده‌اند: «ما در بیمارستان‌ها به عیادت بیماران می‌رویم و در روزهای آینده هم با آنها در ارتباط خواهیم بود تا بخشی از شوک این حادثه را پشت‌سر می‌گذارند.» رنجبران از غمی می‌گوید که شهر را بلعیده: «از مغازدار و راننده تاکسی و همه و همه در بهت و غم فرو رفته‌اند.» هیچ لیبی به خنده و حتی لبخندی محو باز نمی‌شود: «اسکله تخلیه شده و دسترسی‌ها محدود است و همین مسئله سبب شده شهروندان در خانه به انتظار بنشینند و این شرایط را برای آنها سخت‌تر می‌کند. به هر امدادگری که می‌رسند می‌خواهند خبری جدید بشنوند.» سرپرست تیم سحر هرمزگان وقتی صحبت به خانواده‌های داغدار می‌رسد، سکوتی سنگین می‌کند: «در حال حاضر شرایط مساعدی ندارند و در روزهای آتی بی‌شک برای تسلیت گفتن به آنها سر خواهیم زد. غم آنها شهر را تسخیر کرده.»

اوکراین خلع سلاح شد!

روسیه با کمک سربازان کره‌شمالی، منطقه کورسک را پس گرفت

عکس روز شنبه ۲۶ آوریل ۲۰۲۵، کرملین اعلام کرد نیروهای روسیه با همراهی سربازان کره‌شمالی، منطقه کورسک را به‌طور کامل از نیروهای اوکراینی بازپس گرفته‌اند. ولادیمیر پوتین این پیروزی را «شکست کامل ماجراجویی رژیم کی‌یف» توصیف کرد، در حالی که اوکراین ادعای روسیه را رد کرده و مدعی است نیروهایش همچنان در بخش‌هایی از کورسک مقاومت می‌کنند. این تحول، ضربهای استراتژیک به اوکراین است که امیدوار بود از کورسک به‌عنوان اهرمی در مذاکرات صلح و کارتی برای بازی‌های دیپلماتیک استفاده کند.

اهمیت کورسک و ابعاد جغرافیایی

منطقه کورسک، با مساحتی حدود ۳۰ هزار کیلومتر مربع، تنها ۰.۱۷ درصد از خاک روسیه (۱۷.۱ میلیون کیلومتر مربع) را تشکیل می‌دهد اما معادل ۵ درصد خاک اوکراین (۳۵۴۸۰ کیلومتر مربع) است. این منطقه به دلیل نزدیکی به مرز اوکراین و شهرهای کلیدی مانند خارکیف و سومی، از نظر نظامی و لجستیکی اهمیتی استراتژیک دارد. کورسک به‌عنوان پایگاهی برای حملات روسیه به اوکراین و مسیری برای انتقال تجهیزات نظامی، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. تصرف آن توسط اوکراین، روحیه نیروهای اوکراینی را تقویت کرد و ضربهای سیاسی به پوتین وارد آورد که آن را «اولین تهاجم به خاک روسیه از زمان نازی‌ها» خواند.

نبرد کورسک و تلفات طرفین

اوکراین در ۱۶ آور ۲۰۲۴ با تهاجمی غافلگیرانه، بخش‌هایی از کورسک، از جمله شهر سودژا را تصرف کرد. این عملیات با هدف ایجاد منطقه حائل برای جلوگیری از حملات روسیه به سومی و کاهش فشار بر دونباس طراحی شده بود. طبق گزارش ستاد کل ارتش اوکراین، نیروهای این کشور در کورسک متحمل حدود ۷۶ هزار تلفات شدند که شامل ۲۵.۸ هزار کشته، ۴۹.۲ هزار زخمی و ۹۸۳ اسیر می‌شود. این اعداد با گزارش‌های بی‌بی‌سی همخوانی دارد که از عقب‌نشینی «فاجعه‌بار» اوکراین و

ینگه دنیا

غارت سایبری از گنجینه سالمندان

طبق گزارش اف‌بی‌آی، افراد پیر آمریکا در سال ۲۰۲۴ قربانی کلاهبرداری‌های ۴.۸ میلیارد دلاری شدند



رامتین لطفی
هفت صبح

در سال ۲۰۲۴، کلاهبرداران سایبری ضربهای مهلک به سالمندان آمریکایی وارد کردند و ۴.۸ میلیارد دلار از پس‌اندازهای این گروه را به تاراج بردند. این رقم، معادل تقریبی ارزش بازار شرکت اپور در سال‌های اولیه فعالیتش یا بودجه سالانه ایالت کنتاکی برای آموزش عمومی، تنها بخشی از خسارت عظیم ۱۶۶ میلیارد دلاری است که کلاهبرداران در آمریکا به بار آوردند. گزارش سالانه جرایم اینترنتی اف‌بی‌آی که روز چهارشنبه منتشر شد، نشان دهنده رشدی ۳۳درصدی در خسارات سایبری نسبت به سال ۲۰۲۳ است. کریستوفر دلزوتو، رئیس بخش تحقیقات جنایی اف‌بی‌آی، در کنفرانسی تلفنی با خبرنگاران گفت: «هر عدد در این گزارش، داستان شکست مادی و معنوی یک انسان واقعی است؛ یک قربانی که اعتمادش شکسته شده و امنیت مالی‌اش به خطر افتاده است. این اعداد فقط آمار نیستند، بلکه قربادهایی برای برقراری عدالت‌اند.»

کلاهبرداری‌های سرمایه‌گذاری که در آن افراد با وعده‌های فریبنده سودهای کلان به سرمایه‌گذاری در سهام، اوراق قرضه، املاک یا حتی ارزهای دیجیتال ترغیب می‌شوند، در پنج سال گذشته به معضلی فراگیر تبدیل شده است. براساس گزارش اف‌بی‌آی، از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴، کلاهبرداران در مجموع ۵۰.۵ میلیارد دلار از مردم آمریکا به جیب زده‌اند. در سال ۲۰۲۴، اف‌بی‌آی بیش از ۴۷,۹۱۹ شکایت مرتبط با کلاهبرداری‌های سرمایه‌گذاری

کیوسک



واشنگتن پست آمریکا، عکس و تیتیر اصلی خود را به وداع باشکوه کاتولیک‌ها با پاپ اختصاص داد و گفت ۱۵۰هزار نفر در این مراسم حضور داشته‌اند.

<

دیلی میورو انگلیس با تیتیر «امید در میان اشک‌ها» به سراغ آشتی و گفت‌وگوی سازنده ولودیمیر زلنسکی و دونالد ترامپ در حاشیه تشییع پیکر پاپ رفت.

چهارگوشه دنیا

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۴۰۳۶ | دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

در بلغورود دارد اما کنترلر قابل توجهی در این منطقه ندارد. غیر از کورسک و بلغورود، هیچ گزارش معتبری از تصرف سایر مناطق روسیه توسط اوکراین وجود ندارد.

تبعات از دست دادن کورسک برای اوکراین

از دست دادن کورسک ضربهای استراتژیک و سیاسی به اوکراین به شمار می‌رود. کی یف امیدوار بود با حفظ کورسک که در اوج تصرف شامل ۱۳۷۶ کیلومتر مربع بود، اهرمی برای مذاکرات صلح ایجاد کند و در ازای آن، مناطقی از دونباس یا کریمه را بازپس گیرد. اما بازپس گیری کورسک توسط روسیه این اهرم را از بین برد. اکنون روسیه حدود ۲۰ درصد از خاک اوکراین، شامل بخش‌های وسیعی از دونتسک، لوهانسک، خرسون، زاپورژیا و کریمه را اشغال کرده است. از نظر نظامی، این شکست توانایی اوکراین برای ایجاد منطقه حائل و کاهش فشار بر سومی را تضعیف کرد و روحیه نیروهای اوکراینی را پس از موفقیت اولیه در سودژا تحت تأثیر قرار داد. جنگی، ۲۹۰ نفربر زرهی و ۵۳ پرتابگر موشک را در نبرد کورسک از دست داده است.

نقش کره شمالی در نبرد

کرملین برای اولین بار حضور حدود ۱۱ هزار سرباز کره‌شمالی در کورسک را تأیید کرد. والری گراسیموف، رئیس ستاد کل ارتش روسیه، از «شجاعت و حرفه‌ای‌گری» این نیروها که به طور عمده از یگان‌های ویژه بودند، تمجید کرد. این سربازان ابتدا در خطوط دفاعی سوم و دوم مستقر شدند و سپس در حملات مستقیم در مناطقی مانند کورنوسکی و سوروچینا مشارکت کردند. کره‌شمالی همچنین بیش از ۶ میلیون گلوله توپخانه، موشک‌های ضدتانک بولسای-۴ با برد ۱۰ کیلومتر، موشک‌های بالستیک پوکوگونگ-۲، KN-۲۳، KN-۲۴ و توپ‌های ۱۷۰ میلی‌متری برای ارتش روسیه تأمین کرد. گزارش‌ها نشان می‌دهد نیروهای کره شمالی به دلیل ناآشنایی با جنگ پهپادی، در ابتدای حضورشان در جبهه‌های نبرد متحمل تلفات سنگینی شدند.

دیگر مناطق تحت کنترل اوکراین

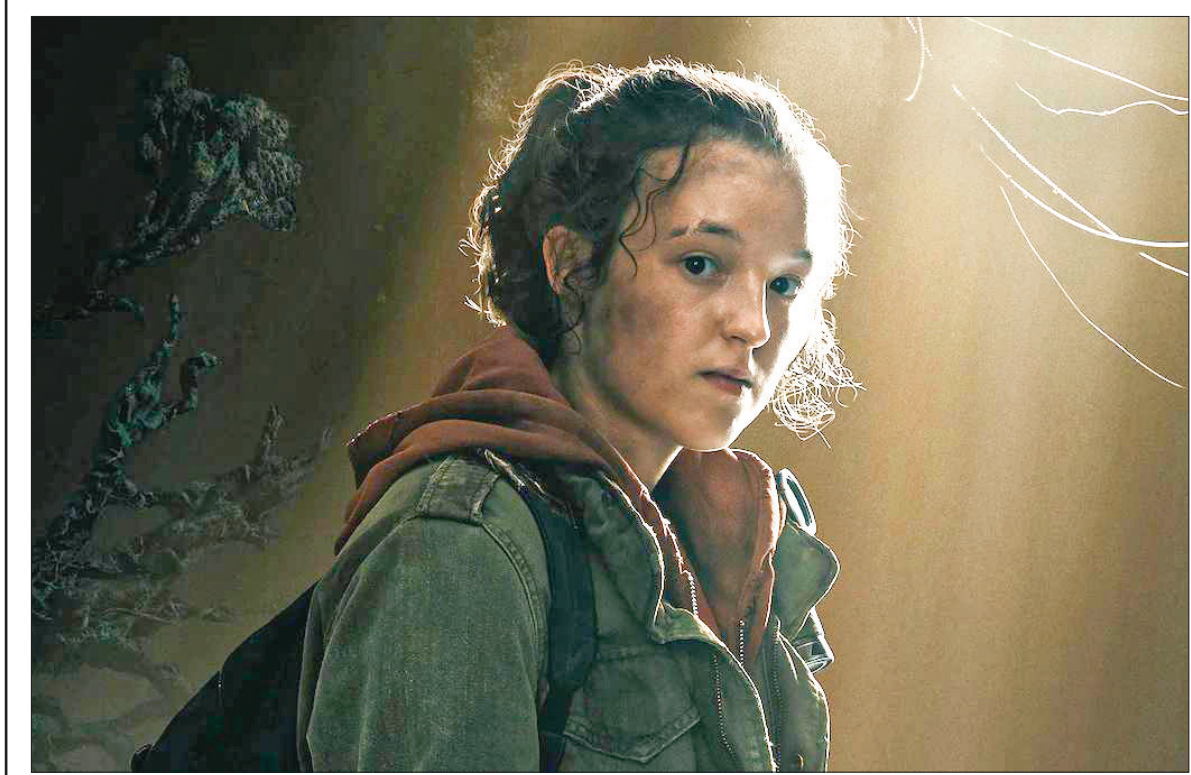
اوکراین علاوه بر کورسک، در مارس ۲۰۲۵ تهاجمی محدود به منطقه بلغورود انجام داد که زلنسکی در ۱۷ آوریل آن را تأیید کرد. این عملیات برای کاهش فشار بر کورسک و اختلال در لجستیک روسیه بود، اما به تصرف دائمی منجر نشد. اوکراین همچنان فعالیت‌های محدودی

دریافت کرد که منجر به خسارتی حدود ۶ میلیارد دلاری شد. این نوع کلاهبرداری اغلب با وعده‌های غیرواقعی بازدهی بالا، افراد را به دام می‌اندازد و سالمندان، به دلیل اعتماد بیشتر و تجربه کمتر در فناوری‌های نوین، از آسیب‌پذیرترین قربانیانند و کلاهبرداران گنجینه‌ه و ثمره یک عمر تلاش این افراد را نشانه گرفته و به یغما می‌برند. البته این تنها روش کلاهبرداری از افراد سالمند نیست. کلاهبرداری‌های ایمیلی تجساری، که در آن کلاهبرداران با جعل هویت مدیران یا همکاران و دوستان درخواست پول یا کارت هدیه می‌کنند، ۲ میلیارد دلار خسارت به بار آورده است. کلاهبرداری‌های پشتیبانی فنی که با ادعای وجود مشکل در رایانه یا سایر دستگاه‌های الکترونیکی انجام می‌شود نیز بیش از ۱ میلیارد دلار به قربانیان خسارت زده است. این نوع کلاهبرداری‌ها به طور معمول با تماس‌های تلفنی جعلی آغاز می‌شود که قربانی را به پرداخت هزینه واقعی برای رفع مشکلات خیالی وادار می‌کند. همچنین، کلاهبرداری‌های مربوط به عوارض جاده‌ای که از طریق پیامک‌های جعلی درباره عوارض انجام می‌شود، باعث بیش از ۵۹ هزار شکایت، حدود ۱۳۰ هزار دلار خسارت ایجاد کرده است. کلاهبرداری‌های اضطراری که در آن فرد با تماس تلفنی و ادعای گرفتاری نوه یا یکی از نزدیکان سالمند، پول مطالبه می‌کند نیز ۲.۷ میلیون دلار به قربانیان زیان رسانده است. این نوع کلاهبرداری‌ها با سوءاستفاده از عواطف و نگرانی‌های سالمندان، به‌ویژه در لحظات تنهایی، به سرعت اعتماد آن‌ها را جلب می‌کند.

افراد ۵۰ تا ۵۹ ساله با ۲.۵ میلیارد دلار خسارت، پس از سالمندان دومین گروه پر خسارت بودند. ایالت‌های کالیفرنیا، تگزاس و فلوریدا، به دلیل جمعیت بالا و فعالیت گسترده کلاهبرداران، بیشترین زیان را متحمل شدند. داده‌های اف‌بی‌آی نشان می‌دهد که کالیفرنیا به‌تنهایی بیش از ۲۰ درصد کل خسارات سایبری آمریکا را به‌خود اختصاص داده است. البته باید این نکته را نیز در نظر داشت که کالیفرنیا ثروتمندترین ایالت آمریکاست و میزان کلاهبرداری با تمکن مالی خسارت‌دیدگان رابطه‌ای مستقیم دارد. شاید باورش با تصویری که ما از آمریکا داریم کمی سخت باشد اما اف‌بی‌آی سالانه به‌طور متوسط ۸۳۶ هزار گزارش از جرایم سایبری دریافت می‌کند، با میانگین خسارت ۲۰ هزار دلار برای هر قربانی. مقامات اف‌بی‌آی هشدار دادند که این آمار ممکن است کمتر از واقعیت باشد، زیرا بسیاری از قربانیان، به‌ویژه سالمندان، به دلیل شرمساری یا ناآگاهی از روند گزارش‌دهی، از اعلام کلاهبرداری خودداری می‌کنند. به گفته کارشناسان، پیشرفت فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و جعل هویت دیجیتال، کلاهبرداری‌ها را پیچیده‌تر کرده و تشخیص آنها را برای کاربران عادی دشوارتر ساخته است. این گزارش هشدار جدی برای ضرورت آموزش عمومی، به‌ویژه برای سالمندان، و تقویت زیرساخت‌های امنیتی سایبری در همه جای جهان است. افزایش آگاهی و گسترش برنامه‌های آموزشی می‌تواند سببی در برابر این موج فزاینده کلاهبرداری‌ها باشد که از غرب آمریکا تا شرق آسیا در حال گسترش و ازدیاد است.



چهار روز



بلا رمزی در قسمت دوم فصل دوم سریال «آخرین بازمانده از ما» (The Last of Us) با نقش آفرینی درخشانش در نقش الی، قلب مخاطبان را تسخیر کرد. او در سکاس غم‌انگیز مرگ جوئل، ترس، خشم و اندوه را با چشمان پراحساس و صدایی لرزان به تصویر کشید. رمزی با جزئیات هنرمندانه، الی را به یکی از قابل‌اعتناترین نقش آفرینی‌ها تبدیل کرد. برای مثال به لحظه سقوط اشک از چشمان او روی صورت بی‌جان جوئل رجوع کنید. به همین دلیل، او به عنوان بهترین بازیگر هفته از سوی «تی‌وی‌لاین» شناخته شد.

عکس روز

نفرین شوم جزیره خاموش

ویرجینیا جوفری، افشاگر امپراتوری قاچاق جنسی جفری اپستین و شاکی پرونده پرنس اندرو، به طرز مشکوکی در ۴۱ سالگی از دنیا رفت

مرگ ناگهانی ویرجینیا جوفری،

شاهد کلیدی پرونده قاچاق جنسی جفری اپستین، بار دیگر سایه تردید را بر سر این شبکه مخوف گسترانده است. جسد جوفری ۴۱ ساله، در مزرعه‌ای دورافتاده در استرالیای غربی پیدا شد؛ جایی که خانواده‌اش آن را «پناهگاه» او پس از سال‌ها نبرد با خاطرات سیاه گذشته می‌دانستند. در بیانیه‌ای که خانواده‌اش منتشر کردند، آمده بود: «او زندگی‌اش را در نبرد با زخم‌های دیرین از دست داد.» باین حال، برای بسیاری که داستان اپستین و مرگ جنجالی‌اش را دنبال کرده‌اند، این مرگ چیزی بیش از یک خودکشی ساده به نظر می‌رسد.

ویرجینیا جوفری، همان زنی بود که با شجاعتی بی‌نظیر، شاهزاده اندرو را به سوءاستفاده جنسی متهم کرد و علیه اپستین و همدستش گیلین مکسول شهادت داد. گفته می‌شود جوفری در ماه‌های اخیر تهدیدهایی دریافت کرده بود و حتی پس از تصادف مشکوکش با یک اتوبوس مدرسه، در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرده بود «تنها چند روز از زندگی» برایش باقی مانده است. پلیس استرالیای غربی، مرگ او را «مشکوک» ندانست؛ اما سابقه پرونده اپستین و حذف فیزیکی چهره‌های حساس، موجی از گمانه‌زنی درباره قتل احتمالی و صحنه‌سازی به راه انداخته است.



ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



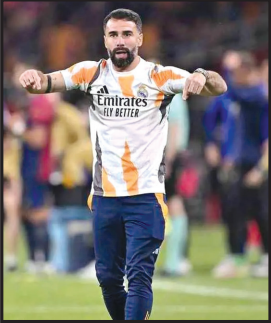
کاپولا در شب افتخار: از جنگ‌های هنری تا قاصه‌های جاودان

فرانسیس فورد کاپولا، خالق شاهکارهایی چون «پدرخوانده» و «اینک آخرالزمان»، شنبه‌شب با حضور چهره‌هایی چون استیون اسپیلبرگ و جرج لوکاس، جایزه افتخاری بنیاد فیلم آمریکا را دریافت کرد. اسپیلبرگ که خود از بزرگان سینمای جهان است، کاپولا را «بی‌باک‌ترین فیلمساز نسلش» توصیف کرد و یادآور شد: «شما قانون سینمای آمریکا را بازتعریف کردید و الهام‌بخش نسل ما شدید.» او همچنین «پدرخوانده» را «بهترین فیلم تاریخ آمریکا» دانست و اعتراف کرد همیشه می‌خواهد مورد تحسین کاپولا قرار گیرد. جرج لوکاس نیز با تجلیل از کاپولا، گفت: «در ۲۲ سالگی از او یاد گرفتیم از پرش از صخره نترسم؛ درسی که هنوز با خودم دارم. هر چند هرگز به سطح شما نرسیدم.» کاپولا در سخنرانی احساسی خود، خاطرات کودکی و محله‌های قدیمی و زندگی پرشور و خاطره‌انگیز با خانواده و دوستانش را مرور کرد و به خاطر تمام شدن آن روزها و روزگار خوش، حسرت خورد. در این مراسم، پیام‌های محبت‌آمیز ستارگانی چون رابرت دنیرو، آل پاجینو، مورگان فریمن و آدام درایور پخش شد. دنیرو خطاب به کاپولا گفت: «شما زندگی مرا تغییر دادید» و پاجینو سپاسگزار بود از اینکه کاپولا به او ایمان داشت، حتی زمانی که خودش به خود باور نداشت.



پاجینو سپاسگزار بود از اینکه کاپولا به او ایمان داشت، حتی زمانی که خودش به خود باور نداشت.

جنجال دی بور گوس در ال کلاسیکو توهمین ستاره رئال مادرید به داور



دنی کارواخال، ستاره رئال مادرید، به شدت به قضاوت داور بازی ال کلاسیکو دی بور گوس اعتراض کرد. در این بازی که به وقت‌های اضافه کشیده شد، بارسلونا با نتیجه ۳-۲ بر رئال مادرید پیروز و قهرمان جام حذفی شد. در پایان بازی، اتفاقات جنجالی رخ داد که منجر به اخراج ۳ بازیکن رئال مادرید یعنی آنتونیو رودیگر، لوکاس واسکز و جود بلینگهام شد. این وضعیت باعث عصبانیت شدید از سوی داور و برگزاری کنفرانس خبری از سوی او شد که در آن انتقادات خود را علیه باشگاه رئال مادرید مطرح کرد. در پی این اظهارات، باشگاه رئال مادرید بیانیه‌ای منتشر کرد که در آن اعتراض خود را به صحبت‌های داور بیان کرد، چیزی که جو بازی را بیشتر متلهب کرد.با اینکه کارواخال به دلیل مصدومیت و انجام دوره بازتوانی قادر به حضور در بازی نبود اما در ورزشگاه حضور داشت و از تیم خود حمایت می‌کرد. طبق گزارش روزنامه آس، دوربین‌های کانال «موویستار» که بازی را پخش می‌کرد، عصبانیت شدید کارواخال را ثبت کردند. او که پشت نیمکت رئال مادرید نشسته بود، به شدت از تصمیمات دی بور گوس ناراحت شد و به داور توهین کرد و گفت: «چقدر بی‌شرم! چقدر بی‌شرم! حالا لامین یامال چی؟!» بر اساس گزارش موندو دیپورتیو، خوشبختانه داور هیچ اشاره‌ای به این توهین‌ها در گزارش خود نکرده است. این روزنامه تأکید کرد که اگر داور این اظهارات را در گزارش خود ثبت می‌کرد، کارواخال ممکن بود با محرومیت ۴ بازی مواجه شود اما چون به دلیل مصدومیت قادر به بازی نیست، تأثیری بر او نخواهد داشت. همچنین گزارش شده که در تونل رختکن، هنگام خروج تیم‌ها پس از نیمه‌اول، جود بلینگهام از تصمیمات دی بور گوس ناراحت شد و به وضوح او را به جانب‌داری از بارسلونا متهم کرد.



کشید اما VAR در کمال تعجب قطع بود. اتفاقی عجیب و غیرمنتظره که جنجال‌های زیادی را به‌وجود آورد. بعد از ۱۴ دقیقه که زمان بازی کشته شد، موعود بنیادی‌فر رای به ادامه بازی داد آن هم در حالی که خرابی وی ای آر مانع از بازبینی دوباره این صحنه شد. این تصمیمی بود که باعث عصبانیت تراکتوری‌ها شد و خداداد عزیزی مدیر تیم تراکتور قصد داشت تیم را از زمین بیرون بکشد. اتفاقی که باعث التهاب روی سکوها شده و درنهایت درگیری و کشتید اما VAR در کمال تعجب قطع بود. اتفاقی عجیب و غیرمنتظره که جنجال‌های زیادی را به‌وجود آورد. بعد از ۱۴ دقیقه که زمان بازی کشته شد، موعود بنیادی‌فر رای به ادامه بازی داد آن هم در حالی که خرابی وی ای آر مانع از بازبینی دوباره این صحنه شد. این تصمیمی بود که باعث عصبانیت تراکتوری‌ها شد و خداداد عزیزی مدیر تیم تراکتور قصد داشت تیم را از زمین بیرون بکشد. اتفاقی که باعث التهاب روی سکوها شده و درنهایت درگیری و

دیدار تیم‌هایی که او دوست‌شان داشت یادم‌ان پاپ در پدر و پید یگاین تصاویر و مظاهر تجلیل از پاپ فقیدفرانسیس در سراسر استادیوم پدرو بید یگاین در بوتنوس آیرس به نمایش درآمدند، جایی که تیم فوتبال سان لورنزو دی الماگروا که او هوادار آن بود، برای اولین بار پس از مرگش وارد زمین شد. بازیکنان پیراهن‌هایی به تن داشتند که تصویر پاپ فقید به همراه عبارت «همیشه باهم» روی آنها نقش بسته بود؛ به یاد شوق او نسبت به تیم دوران زندگی‌اش، به طوری که حتی در طول ۱۲ سال دوران پاپاش، عضو این تیم باقی ماند. هواداران قبل از شروع بازی مقابل روزاریو سنترال در روز شنبه گذشته شعار «پاپ از بویدو» سر دادند و پرچم‌های واتیکان با رنگ‌های زرد و سفید را به اهتزاز درآوردند. باشگاه که در محله بویدو در بوتنوس آیرس واقع شده است، قصد دارد استادیوم جدید خود را به نام پاپا فرانسیس نام‌گذاری کند. در خلال استراحت میان دو نیمه، سازمان «سکولاس او کورتیس» که یک سازمان بین‌المللی است و توسط پاپا فرانسیس در سال ۲۰۱۳ برای تحول در آموزش جهانی تأسیس شد، از پاپا که دوشنبه گذشته در سن ۸۸سالگی درگذشت، تجلیل کرد. خورخه ماریو بر گولیو، شوق خود را به این باشگاه آرژانتینی از پدرش به ارث برده بود و هرگز آن را از دست نداد. بر گولیو بعد از انتخاب شدن به عنوان پاپ در سال ۲۰۱۳ در بخشی از مجموعه آرزوهایش برای وطنش گفت: «آرزو دارم سان لورنزو برنده شود.» با اینکه او در دوران پاپاش به آرژانتین بازنگشت، مجسمه‌ای به اندازه واقعی از پاپا فرانسیس که شال تیم با رنگ‌های آبی و قرمز بر گردنش داشت، از کنار زمین به بازی نگاه می‌کرد. بازی تا دقیقه ۹۱ بدون گل باقی ماند، زمانی که انزو کوبیتی تنها گل روزاریو سنترال را به ثمر رساند و تیم زادگاه پاپا را با نتیجه یک بر صفر شکست داد. پاپ فرانسیس در دوران حضورش در واتیکان به عنوان عضو افتخاری در سان لورنزو منصوب شد و چندین بار از سوی نمایندگان باشگاه از جمله پس از پیروزی آنها در کوپا لیبرتادوروس در سال ۲۰۱۴ که در آن زمان جام را به او اهدا کردند، ملاقات کرد.

اتفاقات یک بازی جنجالی و پر حاشیه

پنالتی عجیب چاشنی انفجار در آبادان

گروه ورزش | آخرین بازی از مرحله یک‌چهارم نهایی جام حذفی فوتبال ایران یک بازی فوق جنجالی و پر حادثه از آب در آمد. از آن بازی‌هایی که طی روزها و هفته‌های آینده تبدیل به بحث حاشیه‌ای رسانه‌های مختلف ورزشی خواهد شد.

یک پنالتی عجیب

همه چیز از یک پنالتی عجیب شروع شد. در دقیقه ۴۸ بازی محمدامین رضایی دروازه‌بان شهرداری نوشهر بعد از مهار شوت سنگین فرشاد محمدی‌مهر از روی ضربه ایستگاهی، در یک حرکت عجیب اقدام به خطای پنالتی روی بازیکن صنعت‌نفت کرد. خطایی بی‌مورد و بی‌دلیل که مشخص نشد برای چه و با چه هدفی انجام شد. در این لحظه دروازه‌بان توپ را در اختیار داشت و می‌توانست بازی را شروع کند اما به‌طرز عجیبی تغییر جهت داد و پای بازیکن حریف را لگد کرد. صحنه‌ای که جنجال آفرین شد و در نهایت کار بالا گرفت.

در آبادان چه خبر بود؟

یکی از مسئولان آبادانی که نمی‌خواست نام و عنوانش فاش شود، در ارتباط با حواشی و اتفاقات ایبن بازی به «هفت صبح» گفت: «متأسفانه در این بازی اتفاقات بدی از سوی تماشاگران تیم نوشهری پیش آمد و به شهری که هشت سال در جنگ مقاومت کرده، توهین شد. در حالی که نیروی انتظامی کاری انجام نداده بود نیز مورد بی‌مهری قرار گرفت.» او افزود: «درگیری از صحنه وی‌ای آر و آن پنالتی شروع شد. در این زمان نیمکت حریف متشنج شد و هواداران تیم شهرداری شروع به فحاشی به مسئولان شهر کردند.» در حالی که ویدیوهای منتشر شده نشان می‌دهد در پایان بازی بین لیدرهای نفت آبادان و بازیکنان شهرداری نوشهر درگیری سختی در راهروی منتهی به رختکن رخ داده اما این مسئول آن را رد کرده و گفت: «هیچ‌کدام از بچه‌های نفت آنجا نبودند و آن ویدیو مربوط به درگیری تیم

گزارش

خداداد و مدیران فولاد در کمیته اخلاق

رودر رویی عوامل جنجال بزرگ در اهواز

شده. ضمن اینکه به ما توصیه شده که دیگر چیزی در ارتباط با اتفاقات نگویم.» او ضمن تأیید این موضوع که امروز (دوشنبه) جلسه کمیته اخلاق بر گزار می‌شود، گفت: «ما را دعوت کردند و می‌رویم آنجا دفاعیات خودمان را ارائه می‌دهیم.» خبری که مانند یحیی گل محمدی سرمربی و حمید مطهری مربی و برخی از اعضای فولاد سابقه حضور در پرسپولیس را دارد، با اشاره به اتفاقات بازی گفت: «همه مشکلات و اتفاقات از زمانی شروع شد که سرپرست

شده. ضمن اینکه به ما توصیه شده که دیگر چیزی در ارتباط با اتفاقات نگویم.» او ضمن تأیید این موضوع که امروز (دوشنبه) جلسه کمیته اخلاق بر گزار می‌شود، گفت: «ما را دعوت کردند و می‌رویم آنجا دفاعیات خودمان را ارائه می‌دهیم.» خبری که مانند یحیی گل محمدی سرمربی و حمید مطهری مربی و برخی از اعضای فولاد سابقه حضور در پرسپولیس را دارد، با اشاره به اتفاقات بازی گفت: «همه مشکلات و اتفاقات از زمانی شروع شد که سرپرست

در حاشیه

محمد الدعیع (الداعیه)
اسطوره دروازه‌بانی آسیا و عربستان به تمجید از کرپستیانو رونالدو اسطوره پرتغالی النصر پرداخت.
الدعیع پس از گلزنی رونالدو در پیروزی النصر مقابل یو‌کوهاما مارینوس ژاپنی، چاشنی خاص به او ارائه کرد.
الدعیع معتقد است که برای رونالدو، رسیدن به رویای ثبت ۱۰۰۰ گل غیرممکن است، به دلیل عواملی مانند سن که به ۴۰ سالگی رسیده است که بر عملکرد او در زمین در سال‌های آینده تأثیر خواهد گذاشت. تیم النصر سعودی با پیروزی ۴-۱ بر یو‌کوهاما مارینوس ژاپنی به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان آسیا در فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۵ صعود کرد.
جان دوران

ورزش ایران و جهان

دیدار تیم‌هایی که او دوست‌شان داشت یادم‌ان پاپ در پدر و پید یگاین تصاویر و مظاهر تجلیل از پاپ فقیدفرانسیس در سراسر استادیوم پدرو بید یگاین در بوتنوس آیرس به نمایش درآمدند، جایی که تیم فوتبال سان لورنزو دی الماگروا که او هوادار آن بود، برای اولین بار پس از مرگش وارد زمین شد. بازیکنان پیراهن‌هایی به تن داشتند که تصویر پاپ فقید به همراه عبارت «همیشه باهم» روی آنها نقش بسته بود؛ به یاد شوق او نسبت به تیم دوران زندگی‌اش، به طوری که حتی در طول ۱۲ سال دوران پاپاش، عضو این تیم باقی ماند. هواداران قبل از شروع بازی مقابل روزاریو سنترال در روز شنبه گذشته شعار «پاپ از بویدو» سر دادند و پرچم‌های واتیکان با رنگ‌های زرد و سفید را به اهتزاز درآوردند. باشگاه که در محله بویدو در بوتنوس آیرس واقع شده است، قصد دارد استادیوم جدید خود را به نام پاپا فرانسیس نام‌گذاری کند. در خلال استراحت میان دو نیمه، سازمان «سکولاس او کورتیس» که یک سازمان بین‌المللی است و توسط پاپا فرانسیس در سال ۲۰۱۳ برای تحول در آموزش جهانی تأسیس شد، از پاپا که دوشنبه گذشته در سن ۸۸سالگی درگذشت، تجلیل کرد. خورخه ماریو بر گولیو، شوق خود را به این باشگاه آرژانتینی از پدرش به ارث برده بود و هرگز آن را از دست نداد. بر گولیو بعد از انتخاب شدن به عنوان پاپ در سال ۲۰۱۳ در بخشی از مجموعه آرزوهایش برای وطنش گفت: «آرزو دارم سان لورنزو برنده شود.» با اینکه او در دوران پاپاش به آرژانتین بازنگشت، مجسمه‌ای به اندازه واقعی از پاپا فرانسیس که شال تیم با رنگ‌های آبی و قرمز بر گردنش داشت، از کنار زمین به بازی نگاه می‌کرد. بازی تا دقیقه ۹۱ بدون گل باقی ماند، زمانی که انزو کوبیتی تنها گل روزاریو سنترال را به ثمر رساند و تیم زادگاه پاپا را با نتیجه یک بر صفر شکست داد. پاپ فرانسیس در دوران حضورش در واتیکان به عنوان عضو افتخاری در سان لورنزو منصوب شد و چندین بار از سوی نمایندگان باشگاه از جمله پس از پیروزی آنها در کوپا لیبرتادوروس در سال ۲۰۱۴ که در آن زمان جام را به او اهدا کردند، ملاقات کرد.



کشید اما VAR در کمال تعجب قطع بود. اتفاقی عجیب و غیرمنتظره که جنجال‌های زیادی را به‌وجود آورد. بعد از ۱۴ دقیقه که زمان بازی کشته شد، موعود بنیادی‌فر رای به ادامه بازی داد آن هم در حالی که خرابی وی ای آر مانع از بازبینی دوباره این صحنه شد. این تصمیمی بود که باعث عصبانیت تراکتوری‌ها شد و خداداد عزیزی مدیر تیم تراکتور قصد داشت تیم را از زمین بیرون بکشد. اتفاقی که باعث التهاب روی سکوها شده و درنهایت درگیری و

تمجید محمد الدعیع از اسطوره پرتغالی چالش اسطوره دروازه‌بانی آسیا برای رونالدو در دقیقه ۲۷ برای النصر گل اول را زد و سپس سادیو مانه گل دوم را در دقیقه ۳۱ اضافه کرد. کریستیانو رونالدو در دقیقه ۳۸ گل زد و دوران در دقیقه ۴۹ گل دوم خود و گل چهارم تیمش را به ثمر رساند. الدعیع پس از بازی در مصاحبه‌ای تلویزیونی گفت: «رونالدو تنها بازیکن خارجی پس از ریوولینو برزیلی است که به فوتبال سعودی آمده و با وفاداری خود به تیم و کشور و پروژه سعودی، نشان داده است.» او افزود: «رونالدو ثابت کرده که بازیکنی منحصر به‌فرد است، نه فقط با عملکرد عالی‌اش، بلکه با وفاداری واقعی‌اش به فوتبال سعودی. او هرگز خود را برتر از دیگران نمی‌داند و وظایف خود را با حرفه‌ای‌گری در داخل و خارج زمین انجام می‌دهد و همیشه در محافل جهانی درباره سعودی به‌طور مثبت صحبت می‌کند. او بازیکنی است که دیگر تکرار نخواهد شد

تمجید محمد الدعیع از اسطوره پرتغالی چالش اسطوره دروازه‌بانی آسیا برای رونالدو در دقیقه ۲۷ برای النصر گل اول را زد و سپس سادیو مانه گل دوم را در دقیقه ۳۱ اضافه کرد. کریستیانو رونالدو در دقیقه ۳۸ گل زد و دوران در دقیقه ۴۹ گل دوم خود و گل چهارم تیمش را به ثمر رساند. الدعیع پس از بازی در مصاحبه‌ای تلویزیونی گفت: «رونالدو تنها بازیکن خارجی پس از ریوولینو برزیلی است که به فوتبال سعودی آمده و با وفاداری خود به تیم و کشور و پروژه سعودی، نشان داده است.» او افزود: «رونالدو ثابت کرده که بازیکنی منحصر به‌فرد است، نه فقط با عملکرد عالی‌اش، بلکه با وفاداری واقعی‌اش به فوتبال سعودی. او هرگز خود را برتر از دیگران نمی‌داند و وظایف خود را با حرفه‌ای‌گری در داخل و خارج زمین انجام می‌دهد و همیشه در محافل جهانی درباره سعودی به‌طور مثبت صحبت می‌کند. او بازیکنی است که دیگر تکرار نخواهد شد

ورزش ایران و جهان

مستطیل سبز

پدر جنجالی یامین یامال ستاره بارسا:

توبهترین بازیکن خواهی شد پسر م



ادلی منیر نصرای، پدر لامین یامال، ستاره باشگاه بارسلونا، به مانند همیشه پس از قهرمانی تیمش در فینال جام حذفی اسپانیا و پیروزی مقابل رئال مادرید در ال کلاسیکو، اظهارات جنجالی انجام داد. بارسلونا با پیروزی ۲-۳ در این دیدار که به وقت‌های اضافه کشیده شد، قهرمان جام حذفی اسپانیا شد. این باشگاه کاتالانی که با این قهرمانی، تعداد قهرمانی‌های خود در این رقابت را به ۳۲ رساند و نخستین قهرمانی خود را از سال ۲۰۲۱ به دست آورد، همچنان رویای قهرمانی سه‌گانه تاریخی را دنبال می‌کند، چرا که در صدر جدول لالیگا قرار دارد و به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا راه یافته است. لامین در این ال کلاسیکو درخشید و دو گل از سه گل بارسلونا در مقابل رئال مادرید را ساخت، در حالی که گل سوم توسط کنده بعد از اشتباه فاحش بازیکنان رئال مادرید به ثمر رسید. پیش از بازی، پدر یامال گفته بود: «تیم کاتالانی بر رئال مادرید پیروز خواهد شد، مهم نیست نتیجه چقدر خواهد بود، شاید یک یا دو گل بز نیم، شاید سه گل اما در نهایت آنها را در زمین له خواهیم کرد.» پس از این بازی هیجان‌انگیز، او در مصاحبه با جرارد مارتینو، خبرنگار معروف اظهار کرد: «وقتی لامین یامال به دنیا آمد، در لحظه‌ای که او را در آغوش گرفتم، به او گفتم: تو بهترین بازیکن دنیا خواهی شد، پسرم، خواهی دید» و به لطف خدا، این اتفاق افتاد.»

وی افزود: «زندمداد بارسلونا و سلام گرم به مادرم که مرا به دنیا آورد.» او ادامه داد: «حتی اگر من رئال مادرید را دوست داشتم باشم، برای آنها احساس تاسف می‌کنم، چیزی که به من قوت می‌دهد بارسلونا است.» نصرای اخیرا نیز جنجال‌برانگیز شده بود، زمانی که ویدیویی از او منتشر شد که در آن در یک کلاسیکو قبلی از رئال مادرید حمایت می‌کرد و پیراهن آنها را به تن داشت.

ویژه

برد یوبانک در بازی بزرگ بارای داوران

غضب قاتل؛ شهر گرگ‌ها

لندن به سکویی برای یک جشن جهانی بوکس با عنوان «غضب قاتل: شهر گرگ‌ها»، تبدیل شد. این رویداد با تبلیغات گسترده جهانی همراه بود و نبرد موردانتظار بین کریس یوبانک جونیور و کونر بین در مرکز توجه قرار گرفت. بیش از ۶۵ هزار تماشاگر برای دیدن این مبارزه که مدت‌ها انتظار آن را می‌کشیدند، به استادیوم آمدند. کریس و کونر، پسران دو افسانه بوکس بریتانیا، کریس یوبانک پدر و نیجل بین هستند. قرار بود این دو برای اولین بار در سال ۲۰۲۲ به مصاف هم بروند اما آزمایش مثبت دوپینگ کونر بین باعث به تعویق افتادن مبارزه شد. پس از دو سال انتظار، این مبارزه دوباره به میدان آمد و با هیجان زیادی همراه بود. تنش‌ها در کنفرانس‌های مطبوعاتی و پیش از مبارزه به اوج خود رسید.

وقتی مبارزه شروع شد، هیچ‌کدام از پیش‌بینی‌ها را ناامید نکردند و از همان ابتدای دورهای اول، ضربات شدید رد و بدل شد. با گذشت زمان، یوبانک جونیور کنترل مبارزه را به دست گرفت و از برتری در قد و دفاع استفاده کرد تا در نهایت پس از ۱۲ دور پیروز شود.

پس از پایان مبارزه، داوران به اتفاق آرا پیروزی یوبانک را اعلام و نخستین شکست را به کونر بین در دوران حرفه‌ای‌اش وارد کردند. حدود ۶۵ هزار تماشاگر در این رویداد حضور داشتند و این مسابقه با تولیدی عظیم توسط ترکی آل‌شیخ، فردی که به سرعت تبدیل به یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در دنیای بوکس شده، برگزار شد. ایده ارتباط این رویداد با بازی ویدیویی «غضب قاتل: شهر گرگ‌ها» یک حرکت خلاقانه بود.

همکاری با شرکت «اس ان کی» باعث جذب جمعیت جوان طرفدار بازی‌های ویدیویی شد و ارتباطی منحصر به فرد میان دنیای ورزش و دنیای تکنولوژی ایجاد کرد.

حضور آل‌شیخ در این رویداد با استقبال شدید طرفداران مواجه شد و این موضوع کمک کرد تا عربستان سعودی جایگاه خود را به عنوان قدرتی بزرگ در زمینه برگزاری رویدادهای ورزشی جهانی تثبیت کند.

بر اساس گزارش‌ها «غضب قاتل» تنها یک شب بوکس نبود بلکه یک جشن برای تلفیق فرهنگ‌های ورزشی و تکنولوژیک بود. در این رویداد از تکنولوژی‌های واقعیت افزوده در نمایش‌ها استفاده شد و تماشاگران فرصت پیدا کردند تا با شخصیت‌های بازی از طریق واقعیت مجازی عکس بگیرند که باعث شد این رویداد بیشتر از یک نمایش ورزشی سسنتی به نظر برسد. قرار است رویداد «غضب قاتل» دو روز دیگر در ورزشگاه توتنهام ادامه یابد و شامل یک جشن عمومی، مبارزات نمایشی بوکس، مسابقات بازی‌های الکترونیکی و جلسات گفت‌وگو با اسطوره‌های بوکس مانند کریس یوبانک پدر و نیجل بین باشد.

همچنین کارگاه‌هایی بر گزار خواهد شد که به بررسی آینده رابطه ورزش و تکنولوژی خواهند پرداخت. روزنامه گاردین در این باره نوشت، این شب تنها یک مبارزه نبود، بلکه «بداری بین گذشته، حال و آینده دیجیتال ورزش» بود.



تمجید محمد الدعیع از اسطوره پرتغالی چالش اسطوره دروازه‌بانی آسیا برای رونالدو در دقیقه ۲۷ برای النصر گل اول را زد و سپس سادیو مانه گل دوم را در دقیقه ۳۱ اضافه کرد. کریستیانو رونالدو در دقیقه ۳۸ گل زد و دوران در دقیقه ۴۹ گل دوم خود و گل چهارم تیمش را به ثمر رساند. الدعیع پس از بازی در مصاحبه‌ای تلویزیونی گفت: «رونالدو تنها بازیکن خارجی پس از ریوولینو برزیلی است که به فوتبال سعودی آمده و با وفاداری خود به تیم و کشور و پروژه سعودی، نشان داده است.» او افزود: «رونالدو ثابت کرده که بازیکنی منحصر به‌فرد است، نه فقط با عملکرد عالی‌اش، بلکه با وفاداری واقعی‌اش به فوتبال سعودی. او هرگز خود را برتر از دیگران نمی‌داند و وظایف خود را با حرفه‌ای‌گری در داخل و خارج زمین انجام می‌دهد و همیشه در محافل جهانی درباره سعودی به‌طور مثبت صحبت می‌کند. او بازیکنی است که دیگر تکرار نخواهد شد

تمجید محمد الدعیع از اسطوره پرتغالی چالش اسطوره دروازه‌بانی آسیا برای رونالدو در دقیقه ۲۷ برای النصر گل اول را زد و سپس سادیو مانه گل دوم را در دقیقه ۳۱ اضافه کرد. کریستیانو رونالدو در دقیقه ۳۸ گل زد و دوران در دقیقه ۴۹ گل دوم خود و گل چهارم تیمش را به ثمر رساند. الدعیع پس از بازی در مصاحبه‌ای تلویزیونی گفت: «رونالدو تنها بازیکن خارجی پس از ریوولینو برزیلی است که به فوتبال سعودی آمده و با وفاداری خود به تیم و کشور و پروژه سعودی، نشان داده است.» او افزود: «رونالدو ثابت کرده که بازیکنی منحصر به‌فرد است، نه فقط با عملکرد عالی‌اش، بلکه با وفاداری واقعی‌اش به فوتبال سعودی. او هرگز خود را برتر از دیگران نمی‌داند و وظایف خود را با حرفه‌ای‌گری در داخل و خارج زمین انجام می‌دهد و همیشه در محافل جهانی درباره سعودی به‌طور مثبت صحبت می‌کند. او بازیکنی است که دیگر تکرار نخواهد شد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیر شاهی
مدیر هنری و حید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواجه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلبلی

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً با
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
اذان صبح: ۰۳:۴۲ | طلوع آفتاب: ۰۵:۱۵ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ | غروب آفتاب: ۱۸:۴۸ | اذان مغرب: ۱۹:۰۷

یادداشت

بی‌قراری نسل زد و تلاطم‌های شغلی



مهدی خاکی فیروز

هفت صبح

نسل زد یا بی‌قراری‌های شغلی خود، بازار کار ایران را به عرصه‌ای پر تنش و ناپایدار بدل کرده است. نسلی که در بستر تحولات دیجیتال، بحران‌های اقتصادی و تغییرات اجتماعی بالیده، اکنون نگاهی تازه به کار دارد. برای آنان، شغل نه وسیله معیشت، که جلوه‌ای از هویت، معنا و آزادی فردی به شمار می‌رود. این نگرش، بر خوردی سخت با ساختارهای سنتی بازار کار ایران رقم زده و تبعات گسترده‌ای به همراه آورده است.

جوانان نسل زد در جست‌وجوی محیط‌هایی با انعطاف، خلاقیت و امکان رشد سریع‌اند. نظام‌های سلسله‌مراتبی، سختگیری‌های غیرمنطقی و مسیرهای کند ارتقا، آنها را دلزده و به ترک سازمان‌ها و شرکت‌ها متمایل می‌کند. در نتیجه، نرخ جابه‌جایی نیرو در صنایع حساس، از جمله موسسات مالی و شرکت‌های فناوری اطلاعات، افزایش یافته است. این جابه‌جایی مکرر، آسیب‌های جدی به امنیت اطلاعات وارد کرده؛ زیرا خروج ناگهانی کارکنان، دسترسی به داده‌های حساس و اسرار تجاری را در معرض خطر قرار می‌دهد.

بی‌قراری شغلی نسل زد، در کنار همه محاسنی که در نوآوری‌های کاری دارد، حافله سسازمانی را دچار فرسایش کرده است. با خروج مستمر نیروها، فرصت‌های انتقال تجربه، توسعه دانش ضمنی و تقویت فرهنگ کاری پیش از تثبیت از دست می‌رود. سازمان‌هایی که برای تداوم موفقیت به انباشت دانایی و پایداری نیروی انسانی متکی‌اند، در مواجهه با این روند، فرسودگی ساختاری را تجربه می‌کنند. در برخی شرکت‌ها، از دست رفتن حافظه کاری، به اختلال در فرآیندهای عملیاتی و افزایش ریسک‌های فنی و حقوقی منجر می‌شود.

همزمان، دشواری در انباشت تجربه کاری، مدیریت پروژه‌های بلندمدت را با مانع روبه‌رو ساخته است. بسیاری از سازمان‌ها به ناچار به پروژه‌های کوتاه‌مدت روی آورده‌اند که این تغییر، شاخص‌هایی همچون کیفیت خدمات، انسجام فرآیندها و اعتماد مشتریان را تحت تأثیر قرار داده است. بار مالی ناشی از جذب، آموزش و جایگزینی نیروی انسانی نیز فشار مضاعفی بر بنیه اقتصادی شرکت‌ها وارد کرده است.

در سطح فردی، بی‌ثباتی شغلی، اضطراب، ناامیدی و فرسودگی روانی را در میان جوانان نسل زد تشدید کرده است. میل به مهاجرت برای یافتن محیط‌های کاری با ثبات تر، فرصت‌های شفاف‌تر و ساختارهای منعطف‌تر، رو به افزایش گذاشته است. این روند، خطر خروج سرمایه انسانی و تهی شدن بازار کار از استعدادهای جوان را پررنگ‌تر ساخته است.

در غیاب اصلاحات در سیاست‌های منابع انسانی، طراحی مجدد فرآیندهای امنیت اطلاعات و نوسازی فرهنگ‌های کاری، بازار کار ایران با بحران بهره‌وری، ریزش دانایی و تهدیدهای امنیتی مواجه خواهد شد. درک صحیح از تحولات نسلی و پاسخ فعالانه به نیازهای نوظهور، امکان مهار این بی‌قراری و بهره‌گیری از پتانسیل تحول‌آفرین نسل زد را فراهم می‌کند.

از گوشه و کنار دنیا

فیلم کاپولا در قالب رمانی گرافیکی

طرفداران سینما آماده باشید، زیرا فیلم سینمایی «مگالوپولیس» ساخته فرانسیس فورد کاپولا در سال ۲۰۲۴، در قالب یک رمان گرافیکی جان تازه‌ای می‌گیرد. با وجود استقبال پر سر و صدای اولین نمایش آن در سال گذشته، اثر کاپولا به لطف یک قرار داد جدید و غیرمنظره، قالب جدیدی برای روایت داستان خود پیدا می‌کند. انتشارات آبرامز اعلام کرد که از کارگردان فرانسیس فورد کاپولا برای ساخت اقتباسی از رمان گرافیکی آخرین فیلمش، مگالوپولیس، موافقت گرفته است. کریس رابِل نویسنده، نویسنده‌ی این اقتباس را بر عهده دارد و جیکوب فیلیپس وظایف هنری را بر عهده دارد. کاپولا در بیانیه‌ای این کتاب را به جای اقتباس مستقیم، «همزاد» آن توصیف کرده است. این کارگردان مشهور همچنین گفته است که این رمان گرافیکی از مگالوپولیس الهام گرفته شده است، اما «لروماً نباید به آن محدود شود». رابِل گفته است که این رمان گرافیکی هم به فیلم اصلی ادای احترام می‌کند و هم آن را گسترش می‌دهد.

در حالی که فرانسیس فورد کاپولا به خاطر فیلم‌های کلاسیکی مانند «پدر خوانده» و «اینک آخر الزمان» شناخته می‌شود، در حال کار بر روی پروژه‌ای بود که کاملاً به آن علاقه داشت. در سال ۲۰۲۴، کاپولا سرانجام توانست دیدگاه خود را در قالب «مگالوپولیس»، یک فیلم درام حماسی و علمی تخیلی با بازیگرانی فوق‌العاده، به اشتراک بگذارد. این فیلم داستان یک معمار آینده‌نگر را دنبال می‌کرد که رویای احیای جهان را در سر می‌پروراند، اما با یک شهردار فاسد درگیر می‌شود.



یورک است که در کاوش، تجزیه و تحلیل و گزارش بقایای انسانی تخصصی دارد. اما تصاویری می‌توانند به مناطقی سفر کنند که خود رویدادها در آنجا رخ نمی‌دهند، بنابراین به خودی خود شواهد قطعی مبنی بر وقوع نبرد حیوانات در آنجا نیستند. به همین دلیل است که اسکلت جدید بسیار مهم است. تجزیه و تحلیل بیشتر استخوان‌های این مرد نشان داد که او در کودکی از سوء تغذیه بهبود یافته بود، اما به دلیل فشار بیش از حد به کمر و التهاب ریه‌ها و ران‌هایش، دچار مشکلات ستون فقرات بود. این مرد احتمالاً یک بنسار یوس یا گلادیاتوری بود که در برابر حیوانات می‌ایستاد و نقش او توسط داوطلبان یا بردگان ایفا می‌شد.

مختلف مقایسه کردند. این مقایسه نشان داد که جای گاز گرفتگی احتمالاً متعلق به یک گربه بزرگ، به احتمال زیاد یک شیر، بوده است.

مالین هولست، مدرس استخوان‌شناسی در بخش باستان‌شناسی دانشگاه یورک، یکی از نویسندگان این مطالعه، در بیانیه‌ای گفت: «جای گاز گرفتگی احتمالاً توسط یک شیر ایجاد شده است که تأیید می‌کند اسکلت‌های دفن شده در گورستان، گلادیاتور بوده‌اند، نه سرباز یا برده، همانطور که در ابتدا تصور می‌شد و اولین تأیید استخوان‌شناسی از تعامل انسان با گوستخواران بزرگ در یک محیط جنگی یا تفریحی در دنیای روم را نشان می‌دهد.» هولست همچنین مدیر عامل استخوان‌شناسی

غیر معمول مانند سر بریدن را در خود جای داده بودند. تجزیه و تحلیل مینای دندان همچنین نشان داد که این مردان از طیف وسیعی از استان‌های رومی و همچنین از سراسر جهان آمده بودند.

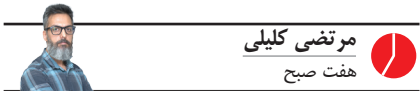
بازنگری یک یافته گیج گفتند
در حالی که محققان مطالعات گسترده‌ای در مورد این گورستان و بقایای آن انجام داده‌اند، یک راز همچنان پابرجا بود: اسکلتی با فرورفتگی‌های غیرقابل توضیح روی لگن مستقیم را ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد در کماز فرهنگ سرگرمی رومی در منطقه را تغییر می‌دهد.» نویسندگان در این مطالعه گفتند که تفهین‌ها در دوره روم در داخل سکونتگاه‌ها انجام نمی‌شد و همین امر باعث می‌شد که مردگان در کنار جاده‌های اصلی سوزانده یا دفن شوند. هنگامی که ساخت و ساز در این منطقه منجر به آریزایی‌های باستان‌شناسی در سال ۲۰۰۴ شد، محققان گورستان دریفیلد ترنس را کشف کردند. بسیاری از بقایای این مردان شواهدی از آموزش، تروما، جراحت‌ها بهبود یافته و مراسم تشییع جنازه

چهره روز

گاه‌شمار زندگی شهید ابراهیم هادی و عکس‌های دیده نشده از او

جوانمرد میدون خراسون

قاب تاریخ امروزمان تقدیم می‌شود به روح پاک جاویدالاثر شهید ابراهیم هادی



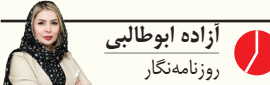
مر تقی کلبلی

هفت صبح

چند روز پیش سالروز تولد شهید عزیز، ابراهیم هادی بود؛ دقیقاً یک اردیبهشت ۱۳۳۶. خواندن کتاب جوانمرد-۲ و را به تازگی به پایان رساندم و همین باعث شد برای ادای دین به این شهید بزرگوار، اشاره‌ای کوتاه به شرح حال زندگی او داشته باشیم. بارها از خاطراتش اینجا در هفت‌صبح نوشته‌ام؛ پهلوان بسیجی ابراهیم هادی از بنیانگذاران گروه چریکی شهید اندرزگو در جبهه گیلانغرب و ستاره ورزش کشتی بود؛ او در اول اردیبهشت سال ۱۳۳۶ در محله شهید سعیدی حوالی میدان خراسان به دنیا آمد؛ قطعه ۲۶ گلزار شهدای بهشت زهرا یادبودی است که خیلی‌ها با دیدن عکس صاحب آن و عنوان «شهید گمنام» که روی سنگ مزار نوشته شده، می‌روند و زائر شهید مغفودالاثر «ابراهیم هادی» می‌شوند؛ شهیدی که برای بچه‌های جنوب شرق تهران و کسانی که اهل دل هستند، خیلی عزیز است؛ البته این شهید برای جوانانی که کتاب «سلام بر ابراهیم» را خواندند، حال و هوای دیگری دارد؛ کتابی که به جرأت می‌گویم اگر بخوانید، زندگی‌تان را متحول می‌کند؛ ابراهیم، در والفجر قدماتی پنج روز به همراه بچه‌های گردان کمیل و حنظله در کانال‌های فکه مقاومت کرد و در ۲۲ بهمن سال ۶۱ بعد از فرستادن بچه‌های باقی‌مانده به عقب، تنها ماند و دیگر کسی او را ندید. آخرین تصویر از پیکر پهلوان بسیجی شهید «ابراهیم هادی» در کانال قتلگاه فکه توسط تلویزیون عراق منتشر شد و مهری بر تائید شهادت او شد. البته... عکس‌هایی از کتاب جوانمرد-۲ که مربوط است به خاطرات این شهید بزرگوار را برای تان انتخاب کردم به همراه گاه‌شمار زندگی او. عکس‌های دیدنی از شناسنامه پدر و مادر او، عکس‌های کودکی‌اش در کنار خانواده، عکس‌هایی در تمرینات و مسابقات کشتی و در آخر هم عکس‌هایی در جبهه. بعدها از خاطرات خواندنی زندگی این شهید عزیز اینجا برات‌ان

وقتی کف دستت بوی سیر می‌دهد

یعنی غذا پخته‌ای



زاده ابوطالبی

روزنامه‌نگار

شستن دست‌ها فایده‌ای نداشت. نه آب گرم، نه صابون قوی، نه حتی لیمو و پودر قهوه. بوی سیر باقی مانده بود، لابه‌لای خطوط کف دست، مانند یادگاری یک لحظه زنده. این بو، صرفاً نشانه غذا پختن نیست، بلکه امضای یک حضور است؛ حضوری که در آشپزخانه، میان بخارها و صدای قل‌قل قابلمه‌ها اتفاق افتاده است. بوی سیر، بیش از آن که مزه یا رایحه‌ای آشپزخانه‌ای باشد، نشانه‌ای ست از تجربه عمیق زیستن. آشپزی، گفت‌وگویی ست بی‌کلام میان انسان و زندگی؛ و سیر، زبان این گفت‌وگوست. تلخ و صادق، پرنگ و بی‌پرده. اگر غذا نامهای باشد، بوی سیر، دست‌خط شخصی کسی ست که با عشق آن را نوشته است.

در ذهن من، آشپزخانه مادرم نخستین جایی‌ست که بوی سیر را شناختم. دست‌هایش همیشه هنگام پخت‌وپز، آغشته به این رایحه بود. بویی که با آن بزرگ شدم. بوی روزهای خاص، ناهارهای خانوادگی، مهمان‌های ناخوانده و تدبیر زنانه‌ای که می‌توانست با چند حبّه سیر و یک پیاز، طعم زندگی را از دل هیچ، بیرون بکشد. سیر، جسارت دارد. مانند حرفی‌ست که مستقیم گفته می‌شود. یادوستش داری، یا از آن برهیز می‌کنی... اما اگر پندیری که در آشپزی‌ات باشد، یعنی پذیرفته‌ای که طعم و حضور، از تعارفات مهم‌ترند. پذیرفته‌ای که در دست‌هایت، به شکلی صادقانه در غذا بماند.

بوی سیر، بوی کار است. بوی تلاش. بوی صبح زود و خستگی بعدازظهر. بوی زنی

عکس نوشت



پس از حادثه انفجار بندر شهید رجایی و اعلام نیاز سازمان انتقال خون، شهروندان تهرانی با حضور در مراکز سازمان انتقال خون و به منظور کمک به حادثه‌دیدگان و مجروحان انفجار بندر شهید رجایی، خون اهدا کردند. خبرگزاری تسنیم

